

اعتراض غذای زندانیان سیاسی و اقدامات اعتراضی علیه رژیم

صفحه ۴

خاتمی رسالتی جز تشدید بحران نخواهد داشت

کشتار کارگران معدن یک نمونه از جنایات سرمایه داران

الملی اینستی محیط کارمطالقا خبری نبوده است، بلکه حتی ابتدائی ترین اصول و موازین اینستی رعایت نمیشده ولوازم و امکانات اینستی اولیه رانیزفاقت بوده است. لین بررسی ها همچنین نشان مییهد که کارفرمایان و ملیمان معدن یادشده، از شرطیت نامن و خطرآفرین داخل معدن با خاطر تراکم فراینده کاز متن باخبر بوده و بدان اشراف داشته اند، بالین وجود هیچگونه اتفاق پیشگیرانه ای انجام نداده و کارگران رادرهمان شرایط و خیم و خطرناک بکار رواخته و عمل آثارهای قتلگاه فرستاده اند.

hadashه هولناک انفجار معدن ذغال سنگ سنگروندتری تکاندهنده بود که حتی رژیم هم توانست در مرور آن سکوت کنیویرغم ناخستی کارفرمایان و مالکین معدن، پاره ای از روزنامه های رژیم نیز خبر آنرا ولو به اختصار نوشتند. روزنامه کاروکارگریز بغرم و لبستگی اش به رژیم ضمن درج خبرین فاجعه، دریاداشت گزارش گونه ای پرده از روی مسامحه کارهای سهل انگارهای کارفرمایان و ملیمان این معدن برداشت. این روزنامه فاش

صفحه ۳

در این فجایری که اول تیرماه در تونل شماره ۹ معدن ذغال سنگ سنگروند واقع دراستان گیلان بوقوع پیوست، حداقل ۳۳ تن از کارگران جان خود را از دست داده وده هاتن دیگر زیرآواره مانده و پیشتد مجروح شدند. انباشت مقادیر زیادی گاز متان در معن، عدم رعایت اصول اولیه اینستی و فقمان تجهیزات هشدار دهنده، به انفجار معدن و کشتار هولناک کارگران انجام مییوین طریق نظام سرمایه داری و ضلیل بسیاری حاکم برایران باز هم از میان کارگران فربانی گرفت. سرمایه داران و کارفرمایان که همواره در تک استثمار و سود بیشتراند برای زندگی و جان کارگران ارزشی قائل نیستند و از کشتار هر روزه آنهایی خم به ابرو نمی آورند، ۳۰ کارگردیگر این باره معدن ذغال سنگ سنگروند و در عزمین دقتاً بخطاب سودجوئی های خود، صاف و ساده کشند!

بررسی های انجام شده در همان ساعات اولیه پس از وقوع حادثه و شواهد علیه غیرقابل انکار، حاکی از آن است که در معدن ذغال سنگ سنگروند نه فقط از استاندارهای بین

روز ۱۲ مرداد، طی مراسمی که به مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری موسوم است، حکم ریاست جمهوری خاتمی ازسوی خامنه ای تنفيذ شلوغی رسماً مام امور دستگاه اجرائی حکومت اسلامی را برعهده گرفت.

در لین مراسم که جلوه ای از بی حقوقی مردم ویه هیچ انگاشتن رای، نظر و حق انتخاب برای مردم، توسط خود کامه ای به نام ولی فقیه است، ووی با همین تنفيذ ازین قدرت برخورد میگردد که هر زمان اراده نماید، باصطلاح « رئیس جمهور منتخب مردم » راعزل کنلویا بالکل از تائید او سریزند، خامنه ای از همان آغاز به تحقیر جناح های رقیب و مروعوب کردن آنها متوجه گردید. نخست این که او فرانت حکم تنفيذ راهنمایند « احمد آنای » خمینی بر عهده رئیس مجلس و رئیس جمهور سابق، رئیس کنونی شورای تشخیص مصلحت و هبرجنایح کارگران سازندگی که طرفداران وی او را « سردار بزرگ سازندگی » نام نهاده اند، قرارداد. سپس در جریان سخنرانی خود در همان حال که به رسم تعارف « تلاش ها » ی رفسنجانی را در « دوران سازندگی » ستود، معهداً به شکلی دیگر همان اظهارات دور زنبل خود را در جلسه تدویع کاینه رفسنجانی تکرار کرد که گهته بود: برخی از سیاستهای کلی از قبیل مسائل مربوط به عدالت اجتماعی هنوز برآورده نشده و کارهای زیادی وجود دارد که دولتهای بعدی باید آنها را در هنرمندان برغم این که در مواردی بخشی از مجموعه برنامه دولت را قبل نداشتند، از دولت حمایت کردند، اولین طبقی هم بر شکست سیاستهای اقتصادی رفسنجانی تاکید نمود و هم خود را ازین برنامه و شکستهای آن کنار کشید. این برخورد خامنه ای باریش جمهور سابق اش بود، املاک ایشان رئیس جمهور جلیلش هم از همین آغاز با تحکم و قدرتمندی سخن گفت و در فرمان خود که توسط رفسنجانی فرائت شد به خاتمی هشدار داده میباشد پارالاگلیم خود فراتر نهاده گفت: « لین جات رای ملت را تتفییز و لیشان را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصب میکنم. بدیهی است که تنفيذ این جات همانند رای ملت تازمانی است که لیشان به تمهد خود صراط مستقیمی که تاکنون دریش داشته لندیعنی راه اسلام و احکام نورانی آن... پایین بانشند ». این کفتاریان معناست که جناب رئیس جمهور جلیل بدانکه لیشان نه منتخب مردم بلکه منصب رهبری است و تازمانی که گوش به فرمان این رهبر در خدمت این نظام باشد، این انتصاب به جای خود باقی است، اما اگر لیشان

صفحه ۸

صفحه ۱۰

صفحه ۱۱

صفحه ۱۲

صفحه ۱۳

صفحه ۱۴

صفحه ۱۵

صفحه ۱۶

صفحه ۱۷

صفحه ۱۸

صفحه ۱۹

صفحه ۲۰

صفحه ۲۱

صفحه ۲۲

صفحه ۲۳

صفحه ۲۴

صفحه ۲۵

صفحه ۲۶

صفحه ۲۷

صفحه ۲۸

صفحه ۲۹

صفحه ۳۰

صفحه ۳۱

صفحه ۳۲

صفحه ۳۳

صفحه ۳۴

صفحه ۳۵

صفحه ۳۶

صفحه ۳۷

صفحه ۳۸

صفحه ۳۹

صفحه ۴۰

صفحه ۴۱

صفحه ۴۲

صفحه ۴۳

صفحه ۴۴

صفحه ۴۵

صفحه ۴۶

صفحه ۴۷

صفحه ۴۸

صفحه ۴۹

صفحه ۵۰

صفحه ۵۱

صفحه ۵۲

صفحه ۵۳

صفحه ۵۴

صفحه ۵۵

صفحه ۵۶

صفحه ۵۷

صفحه ۵۸

صفحه ۵۹

صفحه ۶۰

صفحه ۶۱

صفحه ۶۲

صفحه ۶۳

صفحه ۶۴

صفحه ۶۵

صفحه ۶۶

صفحه ۶۷

صفحه ۶۸

صفحه ۶۹

صفحه ۷۰

صفحه ۷۱

صفحه ۷۲

صفحه ۷۳

صفحه ۷۴

صفحه ۷۵

صفحه ۷۶

صفحه ۷۷

صفحه ۷۸

صفحه ۷۹

صفحه ۸۰

صفحه ۸۱

صفحه ۸۲

صفحه ۸۳

صفحه ۸۴

صفحه ۸۵

صفحه ۸۶

صفحه ۸۷

صفحه ۸۸

صفحه ۸۹

صفحه ۹۰

صفحه ۹۱

صفحه ۹۲

صفحه ۹۳

صفحه ۹۴

صفحه ۹۵

صفحه ۹۶

صفحه ۹۷

صفحه ۹۸

صفحه ۹۹

صفحه ۱۰۰

صفحه ۱۰۱

صفحه ۱۰۲

صفحه ۱۰۳

صفحه ۱۰۴

صفحه ۱۰۵

صفحه ۱۰۶

صفحه ۱۰۷

صفحه ۱۰۸

صفحه ۱۰۹

صفحه ۱۱۰

صفحه ۱۱۱

صفحه ۱۱۲

صفحه ۱۱۳

صفحه ۱۱۴

صفحه ۱۱۵

صفحه ۱۱۶

صفحه ۱۱۷

صفحه ۱۱۸

صفحه ۱۱۹

صفحه ۱۲۰

صفحه ۱۲۱

صفحه ۱۲۲

صفحه ۱۲۳

صفحه ۱۲۴

صفحه ۱۲۵

صفحه ۱۲۶

صفحه ۱۲۷

صفحه ۱۲۸

صفحه ۱۲۹

صفحه ۱۳۰

صفحه ۱۳۱

صفحه ۱۳۲

صفحه ۱۳۳

صفحه ۱۳۴

صفحه ۱۳۵

صفحه ۱۳۶

صفحه ۱۳۷

صفحه ۱۳۸

صفحه ۱۳۹

صفحه ۱۴۰

صفحه ۱۴۱

صفحه ۱۴۲

صفحه ۱۴۳

صفحه ۱۴۴

صفحه ۱۴۵

صفحه ۱۴۶

صفحه ۱۴۷

صفحه ۱۴۸

صفحه ۱۴۹

صفحه ۱۵۰

صفحه ۱۵۱

صفحه ۱۵۲

صفحه ۱۵۳

صفحه ۱۵۴

صفحه ۱۵۵

صفحه ۱۵۶

صفحه ۱۵۷

صفحه ۱۵۸

صفحه ۱۵۹

صفحه ۱۶۰

صفحه ۱۶۱

صفحه ۱۶۲

صفحه ۱۶۳

صفحه ۱۶۴

صفحه ۱۶۵

صفحه ۱۶۶

صفحه ۱۶۷

صفحه ۱۶۸

صفحه ۱۶۹

صفحه ۱۷۰

صفحه ۱۷۱

صفحه ۱۷۲

صفحه ۱۷۳

صفحه ۱۷۴

صفحه ۱۷۵

صفحه ۱۷۶

صفحه ۱۷۷

صفحه ۱۷۸

صفحه ۱۷۹

صفحه ۱۸۰

صفحه ۱۸۱

صفحه ۱۸۲

صفحه ۱۸۳

صفحه ۱۸۴

صفحه ۱۸۵

صفحه ۱۸۶

صفحه ۱۸۷

صفحه ۱۸۸

صفحه ۱۸۹

صفحه ۱۹۰

صفحه ۱۹۱

صفحه ۱۹۲

صفحه ۱۹۳

صفحه ۱۹۴

صفحه ۱۹۵

صفحه ۱۹۶

صفحه ۱۹۷

صفحه ۱۹۸

صفحه ۱۹۹

صفحه ۲۰۰

صفحه ۲۰۱

صفحه ۲۰۲

صفحه ۲۰۳

صفحه ۲۰۴

صفحه ۲۰۵

صفحه ۲۰۶

صفحه ۲۰۷

صفحه ۲۰۸

صفحه ۲۰۹

صفحه ۲۱۰

صفحه ۲۱۱

صفحه ۲۱۲

صفحه ۲۱۳

صفحه ۲۱۴

صفحه ۲۱۵

صفحه ۲۱۶

صفحه ۲۱۷

صفحه ۲۱۸

صفحه ۲۱۹

صفحه ۲۲۰

صفحه ۲۲۱

صفحه ۲۲۲

صفحه ۲۲۳

صفحه ۲۲۴

صفحه ۲۲۵

صفحه ۲۲۶

صفحه ۲۲۷

صفحه ۲۲۸

صفحه ۲۲۹

صفحه ۲۳۰

صفحه ۲۳۱

صفحه ۲۳۲

صفحه ۲۳۳

صفحه ۲۳۴

صفحه ۲۳۵

صفحه ۲۳۶

صفحه ۲۳۷

صفحه ۲۳۸

صفحه ۲۳۹

صفحه ۲۴۰

صفحه ۲۴۱

صفحه ۲۴۲

صفحه ۲۴۳

صفحه ۲۴۴

صفحه ۲۴۵

صفحه ۲۴۶

صفحه ۲۴۷

صفحه ۲۴۸

صفحه ۲۴۹

صفحه ۲۴۱۰

صفحه ۲۴۱۱

صفحه ۲۴۱۲

صفحه ۲۴۱۳

صفحه ۲۴۱۴

صفحه ۲۴۱۵

صفحه ۲۴۱۶

صفحه ۲۴۱۷

صفحه ۲۴۱۸

صفحه ۲۴۱۹

صفحه ۲۴۲۰

صفحه ۲۴۲۱

صفحه ۲۴۲۲

صفحه ۲۴۲۳

صفحه ۲۴۲۴

صفحه ۲۴۲۵

صفحه ۲۴۲۶

صفحه ۲۴۲۷

صفحه ۲۴۲۸

صفحه ۲۴۲۹

صفحه ۲۴۳۰

صفحه ۲۴۳۱

صفحه ۲۴۳۲

صفحه ۲۴۳۳

صفحه ۲۴۳۴

صفحه ۲۴۳۵

صفحه ۲۴۳۶

صفحه ۲۴۳۷

صفحه ۲۴۳۸

صفحه ۲۴۳۹

صفحه ۲۴۳۱۰

صفحه ۲۴۳۱۱

صفحه ۲۴۳۱۲

صفحه ۲۴۳۱۳

صفحه ۲۴۳۱۴

صفحه ۲۴۳۱۵

صفحه ۲۴۳۱۶

صفحه ۲۴۳۱۷

صفحه ۲۴۳۱۸

صفحه ۲۴۳۱۹

صفحه ۲۴۳۲۰

صفحه ۲۴۳۲۱

صفحه ۲۴۳۲۲

صفحه ۲۴۳۲۳

صفحه ۲۴۳۲۴

صفحه ۲۴۳۲۵

صفحه ۲۴۳۲۶

صفحه ۲۴۳۲۷

صفحه ۲۴۳۲۸

صفحه ۲۴۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۱۷

صفحه ۲۴۳۳۱۸

صفحه ۲۴۳۳۱۹

صفحه ۲۴۳۳۲۰

صفحه ۲۴۳۳۲۱

صفحه ۲۴۳۳۲۲

صفحه ۲۴۳۳۲۳

صفحه ۲۴۳۳۲۴

صفحه ۲۴۳۳۲۵

صفحه ۲۴۳۳۲۶

صفحه ۲۴۳۳۲۷

صفحه ۲۴۳۳۲۸

صفحه ۲۴۳۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۳۱۷

صفحه ۲۴۳۳۳۱۸

صفحه ۲۴۳۳۳۱۹

صفحه ۲۴۳۳۳۲۰

صفحه ۲۴۳۳۳۲۱

صفحه ۲۴۳۳۳۲۲

صفحه ۲۴۳۳۳۲۳

صفحه ۲۴۳۳۳۲۴

صفحه ۲۴۳۳۳۲۵

صفحه ۲۴۳۳۳۲۶

صفحه ۲۴۳۳۳۲۷

صفحه ۲۴۳۳۳۲۸

صفحه ۲۴۳۳۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۱۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۱۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۲۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۷

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۸

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۳۹

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۰

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۱

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۲

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۳

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۴

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۵

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۶

صفحه ۲۴۳۳۳۳۳۳۱۷

صفحه ۲

حاتمی رسالتی جز تشدید بحران نخواهد داشت

کرد که خواستار عدالت اجتماعی است. بالاین عبارت کوشید بدن اینکه قول مشخصی به توده زحمتکش مردم درموردم طالبات رفاهی آنها پلده، چیزی هم گفته باشد.

لین عبارت بخصوص درسخنان سران جمهوری اسلامی یک عبارت پوج، کلی و بی معناست. رفسنجانی که بپرتابه وسیاستهای اقتصادی فوق ارتجاعی اش روزگار مردم زحمتکش راسیاه ترازگشته کرد، ادعایی کرد که این، اجرای عدالت اجتماعی در حد اعلانی آن میباشد. ترجیع بندرخنان خامنه ای مرتاجع هم درهر مراسmi، عدالت اجتماعی است. درسخنان خاتمی هم بالاخره مشخص نمیشود که این عدالت اجتماعی چیست؟ خودنی است؟ آشامیدنی است؟ پوشک است؟ تأمین اجتماعی است؟ برای اجتماعی است؟ یا هیچیک از آنها نیست و تنهاییه ای است که به سرمدم مالیده میشود.

درزمینه سیاست خارجی نیزی برای این که بیشتر مردم حملت قدرتهای امپریالیست فرانگیگرد ازصلاح وامنیت را برآوردند. انتقال «گفتگوی میان تمدنها» سخن ویام معنویت، انتقال «گفتگوی میان تمدنها» سخن گفت. او برای عقیده کرد که « دول گفتگوی میان تمدنها را در دنیا کنونی امری ضروری میداندازه رکونه رفتار و اعمال تشنج آمیز پرهیز خواهد داشت و هر دولتی استقلال مارابه مفهوم تصمیم گیری در درون مصالح ملی رعایت کند بالا و بسط خواهیم داشت. »

از مجموعه سخنانی خاتمی در مجلس ارجاع اسلامی چنین برمی آید که درزمینه اقتصادی و اجتماعی تغییرات چنانی در اوضاع نسبت به گذشته صورت نخواهد گرفت. در عرصه سیاست خارجی نیز همین امرصادق است. اما چنین بنظر میرسد که کاری که وی میخواهد انجام دهد، همان اجرای حاکمیت قانون، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی است که به طرفداران جمهوری اسلامی وولی فقهی، آزادی فعالیت سیاسی میدهد، و در عین حال وی میخواهد اندکی از شارهای سیاسی و اجتماعی رژیم بر روی مردم بکاهد تامانع از نفجار خشم انتقامی آنها گردد. اما باید دید که باهیم نگرش تعییل، وی تاچه حد امکان پیشبرد آنرا دارد و تاکجا موفق خواهد شد.

درست است که بویژه دربی لختخابات و تبلیغ آن حتی خامنه ای و جناب رقیب هم در محلوده ای به این نتیجه رسیده اندکه وضع تبلدان خلوخیم است که هر لحظه امکان برافتادن رژیم وجود دارد ولذا در محلوده ای دست خاتمی را باز خواهند گذاشت، اما با این وجود گوههای و دست جاتی در درون حکومت هستند که حتی تعییل اوضاع راتبان حذف نمی پذیرند. این واقعیت از هم اکنون خود را در کشکش های جنابی آشکار ساخته است. خاتمی خواستار «حاکمیت قانون» است. درست همین قولتینی که مردم را لزه حقی محروم کرده. او برای پیشبرد سیاست خود در این زمینه باید بر روی دستگاه قضائی و نیروی انتظامی و حتی نیروی مسلح نظامی حساب کند. اما اینها همه در اختیار جناب رقیب و مختلف اند، و کسی هم جز خامنه ای ویا لاترین رده های آن ارگانها قادر نیست

وغیره و دالک اعتقادنارم، او از آزادی محروم است.

او مجلدا تاکید میکند که « این وظیفه همیشگی دولت جمهوری اسلامی است که سیاستهای و برنامه های خود را بر اساس هدفها و جوهر اسلام و عدم مغایرت آنها با موازین شرع بنا نهاد ». اگر داین جمله دقیق شویم، کوچکترین تفاوتی میان این گفتارها رفته ای دیگر جناهها و سران حکومت وجود ندارد. در لینجا و پرس لین نکات همه جناههای جمهوری اسلامی متفق القولند، بالاین همه جناحی که اکنون خاتمی وی را نمایندگی میکند، خود را طرفار فقه پویا میداند، لذا وی در دادمه سخنانی خود میگوید ضرورت دارد که زمان و مکان را پیوسته در اجنه اسلامی دخیل بلاییم و اسلام راطوری بفهمیم که در همه زمانها بتواند جوابگوی همه نیازها باشد »

خاتمی پس از آنکه نقاط اشتراک اصلی خود را جناهی دیگر روش ساخت و به نقاط افتراق خود را برخی از جناح ها اشاره نمود و بر اجرای قانون اساسی پیش از آزادی هادر چارچوب نظام و قوانین آن تاکید کرد، سرانجام نتیجه گرفت که، حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت که این سوکنده آن را بستره وظیفه اساسی بر عهده رئیس جمهور میگذارد، از جمله ضرورتهای برآمده از کرامت انسان در آینین الهی است ». هر کس در نظام اسلامی زندگی میکنند و قانون گردن مینهند، حق زندگی، بیان، اندیشه، و برخورداری از زندگی خوب و مشارکت در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در این نظام موظف به پاسداری ازین حق ها و حریم ها و فراهم آوردن زمینه های تامین آرامش و آسودگی خاطر مردم در تمامی عرصه های عمومی و خصوصی زندگی و تلاش برای حاکمیت قانون و ضابطه و استقرار امنیت و ثبات است »

لین بخش از سخنانی خاتمی در مطبوعات و رسانه های بین المللی انعکاس وسیعی داشت و آن را حمل برآزادی خواهی، دمکرات و لیبرال منشی او کردند. اما آنها به مردم جهان نگفتند که او خواستار گردن نهادن به قوانینی است که درینبین آن حقوق مردم از آنها سلب شده است. دریند بند آنها آزادی از مردم سلب شده است. درینبند آنها حاکمیت مردم نفی شده است. در بندیند آنها براستشاره اسلامی میلیونها انسان کارگروز حمتكش صحه گذاشتند شده است و . . . در حالیکه نه گردن نهادن به این قوانین بلکه بینداختن آنها نخستین گام در راه آزادی و سعادت مردم ایران است. درزمینه اقتصادی، وی برنامه و سیاست خاصی ارائه نداد، و درواقع درین زمینه وی چیزی نداشت که ارائه دهد مگر ادامه سیاستهای اقتصادی رفسنجانی. و با توجه به اینکه مردم شدیداً بالین سیاست دخالی بوده و در نتیجه آن توده زحمتکش شدیداً آسیب دیده اند، به نفع وی نبود که به برنامه و سیاست شخصی اشاره کند. در عرصه اجتماعی نیز تهبا به این نکته اشاره

از صراط مستقیم که همانا « راه اسلام و احکام » آن است و این راستگاه روحانیت و در راس آن خامنه ای تعیین میکند که چیست، منحرف گردد، این انتصاب ملعاً خواهد شد. در این جلسه خاتمی جزتشکر « رهبریزگوار » که « رای مردم را تنبیه فرمودند » و « ابرازیندگی » « دربرابر خدا » که گویا همه را « به بندگی خوش فراخواند » چیزی نگفت.

اما فردای آن روز که میباشتی دربرابر مجلس ارجاع اسلامی مراسم تحلیف را بجای آورد، رئوس کلی سیاستهای خود را اعلام نمود. او پس از ازادی سوگند به ایراد یک سخنرانی پرداخت و در طی آن چنین گفت « عمل صالح قوه مجریه و رسالت رئیس جمهوری اسلامی در این شرایط تلاش برای نهادی کردن حاکمیت قانون و در راس آن قانون اساسی برای خدمت به مردم است ». « خدمت به مردم » بماند. او در این جمله بر مسئله ای تاکید کرد که در جریان انتخابات حول آن تبلیغ کرده بود و بخش از مورد استقبال مردمی قرار گرفت که از شاریانهای چهارراه حزب الهی و هر کسی که به نحوی بارزیم سروکار دار و بولبسته به آن است به تنگ آمده اند. لذا او در لینجا نیز باریکری مسئله « حاکمیت قانون » تاکید میکند. او در عین حال بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تاکید دارد و میگوید « طبق قانون رئیس جمهور مکلف و مسئول است از » مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی « پاساری کند. حرف اولین است که من « پاسدار مذهب رسمي و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن هستم ». و از این جهت هیچ تفاوتی بایگر جناهها و طرفان را این نظام ندارد، معهذا و در جریان سخنانی خود برایان نکته هم تاکید کرد که قانون اساسی باید اجرا شود. لین بدان معناست که وی در زمرة از آن دسته از طرفداران جمهوری اسلامی است که میگوید در عین پیش از نظم جمهوری اسلامی و استبداد رلی قیمه، بایبله کسانی که به لین اصول پای بندید، یعنی به قانون اساسی پای بندید، آزادی و اجازه فعالیت و تحرک سیاسی داده شود. و در چارچوب نظام رقابت میان جناههای شکل قانونی پنیرفته شود. لذا ادامه میهد که « حکومت موظف است فضای امنی برای برخورانیش ها را از چارچوب ضوابطی که اسلام و قانون اساسی مشخص کرده است فراهم سازد ». در لینجا و نشان میهد که برخلاف تبلیغات و جنجالهای بورژوازی بین المللی و ایضا جناههای از بورژوازی ایران وی نه دمکرات است و نه آزادی خواه و نه میخواهد آزادی و حقوق دمکراتیک مردم پرستیت شناخته شود. آنچه که او خواستار آن میباشد، آزادی و برخورانیش ها آراء در چارچوب ضوابط اسلام و قانون اساسی است. در خارج از این چارچوب، هیچ آزادی وجود ندارد. بعارت دیگر اکسی بگوید که من به استبداد ولی فقیه و حاکمیت ارجاعی اسلام و مذهب رسمي

هزینه نشود! حال آیا انفجار معدن ذغال سنگ سنگرود و کشته شدن کارگران، به قتل عمد کارگران ییشترباهت ناردتابه سانجه ناشی از کار؟ هر کسی و قبل از همه تمام کارگران این معدن خوب میباشد که وقوع چنین حادثه هولناکی اجتناب ناپذیرنباشد. کارفرما میتوانست به آسانی و فقط با تهیه و تعییه چندستگاه ساده از مرگ کارگران پیشگیری کند. صاجبان «شرکت فراز» امانه تنها این کارانکردند، بلکه بعد از سانجه نیز رصدن جات مجروه جین بر نیامدند و همچنان در هوای سودجویی های خوش بودند.

کارگران معدن ذغال سنگ سنگرود فقط از بروز سوانح ناشی از انفجار گاز رنج نمیرند. آنان تحت بدترین شرایط کاری و حشیانه استشمار میشوند و همچنین پاسخگوی مطالبات آنها نیست. در معدن سنگرود، به مسائل بهداشتی ویمنی کارگران نیز هیچگونه توجهی نمیشود. دهها کارگر معدن در ایستادن شاق هوای آلوده و بدی تهیه به امراض مختلف واژگمله بیماریهای ریوی مبتلا میشوند. در معدن سنگرود، کارفرما هنگام پرداخت دستمزد، «مزایا پیادش کارگران» با هزار کلک و حقه بازی از سروته آن میزند و میزد. در معدن سنگرود، اخراج، اهانت و خشونت یگانه روش کارفرما و ملیک در برای کارگران و پیوشه کارگرانی است که لب به اعتراض می‌گشایند! آری در معدن ذغال سنگ سنگرود، حقوق کارگران حتی در همان محلوده قانوناً بر سمت شناخته شده نیز رعایت نمیشود و «قانون کار» رژیم حتی در معدن سنگرود را پاره ای بیش نیست!

وام اعدام رعایت استانداردهای اینمی منحصر به معدن سنگرود نبوده و قاعده عمومی کلیه معادن و نیز تمام بخش هاروشهای تولیدی است. بیهوده نیست که هر روز صد ها کارگر در معادن، کارگاهها، کارخانه ها وغیره دچار سانجه شده، جان خود را لاست میدهند، معلول و از کارافتاده میشوند و بیماریهای مختلف دچار میشوند. در همین رابطه گزارشی نیز ازوی سازمان تامین اجتماعی انتشار یافته است. این گزارش هرچند بلحاظ آنکه آماروارقام واقعی رانمیگردید، وهم بدین لحظه که کارگرانی که تحت پوشش این سازمان نیستند را درین مدعماً ویراثت کاب جنایات فجیع هر روزه بست سرمایه داران و رژیم اسلامی حامی آنها.

در گزارش سازمان تامین اجتماعی از جمله چنین آمده است که در دیمهشت ماه گذشته ۱۴۶۳ تن از کارگران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی در تیجه حادث ناشی از کار دچار از کارافتادگی شدند. از این تعداد نفریه آسیب دیدگی شدیدگان باختند. ۲۷۲ نفر نیز بعلت شدت جراحات کاملاً از کارافتاده شدند. بیش از ۶ هزار تن از کارگران از ناحیه دست، ۲۷۰۰ نفر از ناحیه پا، ۳۱۴ نفر از ناحیه چشم و ۱۶۱ نفر از ناحیه جمجمه دچار حادث شده اند. گزارش می‌افزاید از این تعداد بیش

کشتار کارگران معدن یک نمونه از جنایات سرمایه داران

ساخت که تقریباً از دو ماه قبل از وقوع حادثه، سنگرود اماکارگران نه فقط در قدان این امکانات تکنیسیهای فنی، مسئولین اینمی و حتی کارگران، وجودیش از حدگازمتان در تونل شماره ۹ معدن را، آنها را تهدید میکنندیه کارسخت و طاقت فرسا مشغولندو و حشیانه استشمار میشوند، بلکه در این معدن، کارفرمایان حتی از فراهم ساختن کمکهای اولیه در حیات سان زخم و جراحت محرومین را پسنهای اطفاء در حقیقت هم دریغ کرده اند. موضوع از این قرار است که معدن ذغال سنگ سنگرود ساقادولتی و متعلق به شرکت فولاد ایران بود. گچه در آن زمان هم در حیات سان زخم و جراحت محیط کار رعایت نمیشود لوازم استانداردهای اینمی محیط کار رعایت نمیشود. و امکانات اینمی و تجهیزات هشدارهندۀ ناکافی بود، اما پس از واگذاری این معدن به بخش خصوصی و «شرکت فراز»، اوضاع در این زمینه بمراتب بدتر شد. کارفرمایان و مالکین جدید، دری کسب سودهای باز هم بیشتر، همان حافظ لوازم و امکانات اینمی موجود را نیز بخاطر اعتراضاتشان به قدان وسائل و تجهیزات اینمی، مورد تهییله اهانت فرازداده، برخی رانیز اخراج میکنند! به کارگران نیز شدیداً پرخاش میکنند، برایشان خط و شان میکشند و سرانجام هم به آنها میگیرند! این مسائل بشماره اتفاقی ندارد، شما فقط باید کارکرده اینکه بفکر تراشیدن هزینه برای مبابا شید! این حرف صریح و رویه همیشگی سرمایه داراست. سرمایه دار کارگر را فقط برای کارگردن میخواهد. اگر کارگر به اعتراضی برخیزد اورا تهدید و خارج میکند. خطرمرگ دارکمین دهها کارگر نشسته است، سرمایه دار امام رفرکر صرفه جویی در هزینه یعنی در فکر سودبیشتر است. سرمایه داران همیشه بفکر سودبودی شتراند، حتی در آن لحظه که دهها کارگر در جلو چشم آنها بکام مرگ میرود! سرمایه داران به تنهایی که نمی‌انیشنند، جان و سرورش کارگر است. از همین روزت که توجهی به اینمی محیط کارگران ندارند و حاضر نیستند حتی بخش ناچیزی از شمره دسترنج خود کارگر اصرف تامین وسائل و امکانات و امکانات ساقاده اینمی کارسوزد گوشی و حرص همچنین نشان دهنده این واقعیت است که بعد از وقوع استریل و باندبرای بستن زخم های مجروحان و آسیب دیدگان ناشی از حادثه انفجار معدن موجود نبود که اینمی اکسیژن نیز از شهروای خش های اطراف برای امداده سانجه دیدگان به معدن منتقل گردید.

تحقیقات بعمل آمده تا کنونی در مرور سانجه تکان دهنده معدن سنگرود، نه فقط موبایل این موضوع است که کارفرمایان بطور آگاهانه و صرف بخاطر سودجویی و حرص آغاز خود از تامین لوازم و امکانات اینمی کارسوزد و آن واسطه دسترنج خود کارگر اصرف تامین وسائل و امکانات برای اینمی محیط کار نمایند. تامین وسائل و امکانات برای اینمی محیط کار؟ نه، این اولاً هزینه برداراست و دو ما چه ربطی به کارگر دارد که آنرا از سرمایه دار بخواهد؟ در نظام سرمایه داری اسلامیزه شده حاکم برایان که اثری از آزادیهای سیاسی دیده نمیشود، ابتدائی ترین حقوق کارگر از وی سلب شده و از تشكیلات مستقل گذاشتند و حتی اقلام به تخلیه گاز از راه منفذ و راههای خود محروم گشته است، در این نظام کارگر نه حق اعتراض و اعتصاب داردنده مجاز است. این موضع در همین گزارش چنین آمده است. «این انتها این انتهاست تین اصول اینمی را زیر پا گذاشتند و حتی اقلام به تخلیه گاز از راه منفذ و راههای خود محروم گشته است، در این نظام کارگر نه حق اعتراض و اعتصاب داردنده مجاز است. این موضع در همین گزارش اینمی محیط کارش اظهار نظر نماید، حتی اگر در معدنی که عنقریب قرار است به انفجار کشیده شود، مشغول بکار است، مجازه دم برآوردن نیست. کارگر فقط و فقط باید برای سرمایه دار کار کرکند. کارکنندگان تاسر مایه داری یا تدریج شیره اش را بکشد و جانش را بگیرد، یا دفتا دریک چشم بهم زدن زیر پايش رامنجر سازد، پیکرش را به آتش بکشند و در اعماق زمین قطعه قطعه اش کند! صحبت از لوازم و امکانات اینمی محیط کار، صحبت در کارگر از هزینه میکنند تا پول برای خریدن کمپرسور و پسنه از تجهیزات هشدارهندۀ است. در معدن ذغال سنگ

اعتراض غذای زندانیان سیاسی و اقدامات اعتراضی علیه رژیم

کردن، خبر اعتصاب غذای زندلیان سیاسی را از طریق مطبوعات منتشر ساختند. خبر مرگ زندلیان سیاسی را به گوش جهانیان رسانند و حتی در همبستگی با زندلیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زندن.

این حرکات اعتراضی به شکل تظاهرات، راهپیمایی، تحصن و اعتراض غذا برگار شدند و گزارش آن به شرح زیر می باشد:

سوئد: روز ۹ شویه به دعوت کانون زندانیان سیاسی،
تظاهراتی در مقابل دفتر هواییمانی جمهوری اسلامی
در استکلهلم برگزار گردید. در این تظاهرات، در
محکومیت تشلیید فشار بزرگانیان سیاسی شعارهایی به
فارسی و سوئدی داده شد. این اکسیون با حمایت وسیع
روبرو شد و وسیع انکاکس یافت.

* از روز ۱۸ تا ۲۵ ژوئیه نیز تحصیل در همبستگی با زندانیان سیاسی در استکهلم صورت گرفت. برگزارکنندگان در قطعنامه پیانی این حرکت یک هفته‌ای، ضمن محکومیت سرکوب و کشtar توسط جمهوری اسلامی، خواهان محاکمه رژیم جمهوری اسلامی به اتهام جنایت علیه بشریت شدند. همچنین در این قطعنامه، «سکوت مرگبار رسانه‌های عمومی غربی در قبال شرایط دهشتناک و قرون وسطانی حاکم بزرگ‌زنده‌ها و وضعیت زندانیان سیاسی» محکوم شد.

۱۶ سازمان و گروه سیاسی، تشکلهای دمکراتیک و رادیوهای فارسی زبان در سوئد، با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، خواستار تشکیل یک کمیته بین‌المللی به منظور رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران شدند.

آلمان :

* هانوفر: روز ۱۲ روئیه به دعوت «کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات درایران» متشکل از نیروهای فعالین چپ و «مرکز سیاسی فرهنگی ایرانیان شهر هانوفر» برگزار شد. در این تظاهرات بیش از ۷۰ تن شرکت نمودند. تظاهرکنندگان با دادن شعارهایی چون «مرگ برجهوری اسلامی»، «زنگنه سیاسی آزاد بلید گردد»، «دیالوگ انتقادی با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران قطع باید گردد»، «سفرتخانه های ایران، مراکز تروریستی هستند» و ...

اوخر تیرماه در زندن اهواز جاتباخت. برغم این که اعتصاب غذای زندانیان سیاسی توسط رژیم درهم شکسته شده است و ظاهرا وضعیت عادی بزندانها حکمرانیست، اما طبق اخباری که از زندانها رسیده است از

رسنونشت معصومه بهتاش، ناهید آذری، مینا غازی و رضا امیری که دو نفر اول به اتهام هوازی از اتحادیه کمونیستها و راه کارگر و دو نفر آخر به اتهام هوازی

از سازمان ما دستگیر شده اند، خبری نیست. هیچکس دقیقاً نمیداند که آیا این زندانیان نیز در نتیجه اعتراض غذا جان باخته اند، یا در زنانهای دیگر بلوون هم گونه ملاقات سر میبرند.

این اعتضاب غذای قهرمانه زندانیان سیاسی هرچند توسط رژیم درهم شکسته شد و تعدادی از زندانیان نیز جان باختند، اما روحه اعتراضی و مبارزه جوئی را

در زندانهای رژیم زنده نگهداشت، و فریاد زندانیان سیاسی را به گوش مردم بسیاری از کشورهای جهان دستاند. در این مدت آلتیه رئیس حناتکا، جمهوری،

اسلامی از هرگونه واکنش و اظهار نظر در مورد اعتضاد غذای زنانیان سیلیس سریان زد و منتهی تلاش خود را کنار گذاشت.

مدرس حوزه را بجز بزرگ از اسلاخه مانعی و بین المللی خبر مربوط به اعتراض غذا جلوگیری بعمل آورد. در همین حال در نتیجه تغییر در سیاستهای بین

المللی سبب به ایران که در پی انتخاب ریاست جمهوری و انتخاب خاتم پیش آمد، سازمانهای بین المللی و حقوق بشری از واکنش جدی در برآور رژیم

سرباز زند، چرا که کویا طاهرا می‌جوهاند بیستند چه اتفاقاتی در ایران می‌افتد و خاتمی چه خواهد کرد. خبرگزاریها و مطبوعات جهان نیز در سطح محدودی

خبر اعتصاب عدا را پخش کردند. طبیعی است که بورژوازی اپوزیسیون ایران نیز هم بنا به ماهیت طبقاتی اش و هم با توجه به سیاستهایی که فوقاً بدان اشاره

شد، چنان تبلیلی به کسرش خبر اعتراض زنایان سیاسی نداشت. لذا در مجموع جیانات بورژوازی خارج از حاکمیت نیز در این سکوت مرگبار مشارکت

داشتند. البته جیانهای هم که بنام کارگر و کمونیسم دقیقاً همان سیاست بورژوازی را پیش برداشتند، نه تنها در اقدامات اعتراضی علیه رژیم و در دفاع از زنانیان

سیاسی شرکت نکردن، بلکه حتی از یک موضع گیری خشک و خالی نیز به نفع زندانیان سیاسی و علیه رژیم سرباز زدند. اما برخلاف اینان، جریانات انقلابی، کمونیستها و نیروهای مترقبی و دمکرات فعالته در یک رشته اکسیونهای اعتراضی علیه رژیم شرکت

اعتتصاب غذای زندانیان سیاسی که در تاریخ ۱۷ خرداد ماه از زنلن عادل آباد شیراز آغاز شد و سپس به زندانهای اصفهان، تبریز و هواز کشیده شد، با سرکوبهای وحشیانه رژیم سرانجام در اوائل مرداد ماه درهم شکسته شد. زندانیان سیاسی که همواره تحت حاکمیت روزئیم خودکامه جمهوری اسلامی در معرض فشارهای متعدد جسمی و روحی قراردادشته اند، تاکنون چنین بیار در چنین سال گذشته برای مقابله با فشارهای حکومت و تحقق مطالبات خود دست به اعتتصاب غذا نزدیک شده اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز که وحشی تر و بیسربرجم تر از آن است تا اعتراض زندانیان را به شکل آن تحمل کند، اغلب با سرکوبهای ددمنشانه این اعتراضات را درهم شکسته است. لین بار نیز زندانیان سیاسی برای کاستن از فشارهای متعدد جسمی و روحی که برآنها اعمال میشود و کسب حداقل شایط انسانی دست به اعتتصاب غذا نزدند. رژیم از همان آغازی به اعتتصاب غذا پرداخت. این اعتصاب روزی دست به تنشیید سیاست سرکوب در زندانها متول گردید و با انتقال زندانیان به بندنهای انفرادی و شکنجه و فشار روحی برای درهم شکستن اعتتصاب غذای زندانیان تلاش شد. معهذا علیرغم این که رژیم باقطع ملاقاتها کوکشید از گسترش اعتراضات به زندانهای دیگر و نیز انتشار و گسترش خبر مربوط به اعتتصاب غذا در جامعه و حتی خارج از کشور جلوگیری نماید، اما توفیقی نیافت، اعتتصاب غذا به چند زنلان کشیده شد، و زندانیان سیاسی در این زندانها نیز به صفوں اعتصاییون علیه حکومت پیوستند و در عین حال خبر مربوط به این اعتتصاب غذا پخش شد. ایستادگی رژیم در برلبر زندانیان سیاسی، عدم تحقق خواستهای آنان و فشارهای جسمی و روحی متعدد، باعث شد که زندانیان سیاسی در برخی زندانها دست به اعتتصاب غذای خشک بزنند. اما باز هم رژیم از برآورده ساختن خواستهای برحق زندانیان سیاسی سر باز زد. نتیجه ادامه اعتتصاب غذای خشک به مرگ ۶ تن از زندانیان سیاسی انجامید. کامران یزدانی از هواداران سازمان اکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در زندان اصفهان جان باخت و دو تن از رفقاء هوادار سازمان ما به نام های حمیدرضا داداشی و مهرداد شوقي و نیز دوتن از هواداران سازمان مجاهلين به نام جعفر عباسی و عبدالرضا حاملى در زنلن تبریز جان سپردند. آخرین آن نیز پروانه علی پور دانشجوی دانشگاه جندی شاپور بود که یکسال و نیم پیش به اتهام هواداری از سازمان ما دستگیر شده بود. و در نتیجه این اعتتصاب غذا در

اپوزیسیون، تغییرات اخیر و چشم انداز تحولات آتی

است! طرفداران سلطنت و از جمله گردانندگان کیهان لنن هوشیارتر از آن بودند که تا به این درجه از حمایت و خودفریبی دچار شوند. مساله برای اینها نه از این زاویه، بلکه عجالتاً به این صورت مطرح است که چگونه بایستی جلو پیش روی مردمی را که چنین به صحنه آمده اند گرفت؟ چگونه بایستی حرکت آتی

آنها را مهار کرد و مانع ریختن آنها به خیابان ها شد؟ سلطنت طلبان از هم اکنون و به الحان گوناگون موضوع برآمد تude ای را به دست اندرکاران رژیم و به آفای خاتمی هشدار میدهدند و برای پرهیز و ممانعت از چنین اوضاعی او را به عمل به وعده های خود تشویق میکنند. حضرات سلطنت طلب ضمん آنکه مستقیم و غیر مستقیم نسبت به آزادیخواهی و نیات اصلاح طلبانه خاتمی توهمن آفرینی میکنند، اما تمام هشان ایست که تحولات آتی کشور از مسیر و راه مسالمت آمیز خارج نشود. کیهان لنن در شماره های خداد و تیر ۷۶ مینیویسde: «ریس جمهور ایران آنگونه که از کردار و گفتار گشته اش برمی آید نشان داده است که حامی بردبای و آزادمنشی است» محمد ارسی از (نیت آزادیخواهان) خاتمی سخن میگوید و می نویسد چنانچه او «راه انتقاد از خمینی را پگشاید آنوقت تude ملت هم به او آفرین خواهند گفت و اصلاحات را جلن خواهند گرفت» حتی پا را از این هم فراتر نهاده و در یک گفتگوی رادیوئی مورخ ۱۳ مداد پیرامون شعارهای خاتمی می گوید: «شعارهای ایشان تو خالی نیست او بطور جلی میخواهد تحولی در زمینه دمکراسی و آزادی ایجاد کند، خاتمی واقعاً میخواهد کار جلی برای مردم انجام دهد چرا که او به آزادی و دمکراسی وفادار است» (نقل به معنی). هوشنگ وزیری پیامون «گذار مسالمت آمیز از استبداد به آزادی نسبی» سخن سرانی میکند و بالاخره سازمان مسروطه خواهان که با انتخاب خاتمی زمان را برای حل مسالمت آمیز(بهران ایران)! مناسب یافته بود در پیامی که برای وی فرستاد، او و دولتش را بدان ترغیب و تشویق نمود و چنین نوشت «بگمان ما اینک زمان آن فرا رسیده است که دولت آینده شما با عبرت از نمونه هائی مانند آفای گوریاچف در شوروی و آفای دوکلاک در آفریقای جنوبی به سوی راه حل مسالمت آمیز گام بردارد... و بحران ایران را پایان دهد»!

اینهاست نمونه هائی از اظهار نظر سلطنت طلبان نسبت به خاتمی و رهنمود به وی. سلطنت طلبان اگر چه در کلیت خود خواهان دوام وبقاء حکومت اسلامی نیستند و نیروی جلی مدافعان اصلاحات در چارچوب این حکومت نمی باشند، اما آنانکه از حضور و بیان آمدن اقتدار وسیعی از مردم در جریان انتخابات بوهای ناخوش آیندی به مشامشان رسیده است و در ضمن پتانسیل عظیم تude مردم را به هنگام خیزش و قیام و در سرنگونی رژیم شاهنشاهی تجزیه کرده اند، تمام تلاشان ایست که دیگر چنان صحنه هائی تکرار

در دیدگاه و ذهن تحلیل گران مجاهدین قضایا به همین سادگی است! جمهوری اسلامی آراء رئیس جمهور خود را بین خاطر بالابرده است که از رئیس جمهور مجاهدین عقب نماند!! روش ایست که این تحلیل ها و ادعاهای بدور از واقعیات است و آنقر سطحی و کودکانه است که ارزش مکث کردن هم نداشته و فقط بذرد مجاهد و مجاهدزده ها می خورد. در دستگاه فکری اینها که هریار سوار شلن مسعود یا مریم رجوی بروهایما و پیاده شدن از آن به یک فاز و مرحله جلیل و تاریخی تعبیر میشود، وقتی که مسافت اخیر خاتم بشارت دهنه فاز و مرحله بازهم نوینی برای نیروهای مریم رجوی به «جوار خاک میهن» به همان شیوه، پسرانه نگاهداشتن این امت همیشه در صحنه چه کار باید کرد و چه راهی باقی میماند جز آنکه با همین تحلیل های من درآورده وضعیت موجود حکومت فعلاً موجود سران مجاهدین بدماد؟ امت همیشه در صحنه مجاهد را که قرار بود «مهرتابان» و «رئیس جمهور ایران» را به همین رزوی ببرد به «تهران»! و حال با یک رئیس جمهور باد کرده و مانده بر روی دست رویروست، جزیه این شیوه ها چگونه میتوان سرگرم نمود؟ مجاهد و یا هر نیروی دیگری که به شیوه مجاهد بخواهد از بالای سر مردم، مستقل از مردم و بی ارتباط با مردم عمل کند، در عمل نیز به چنین رزوی می افتد. این نیرو ولو آنکه انتخابات رژیم را تحریم و برای سرنگونی آن هم فعالیت کند، تحلیل هایش نه براساس شناخت از وضعیت موجود و برای تغییر آن، که بر شیوه موقیت موجود خویش استوار است. اگر که مجاهد خواهان سرنگونی رژیم است نه برای پیام دادن به استبداد و حکومت مذهبی و جایگزینی آزادی و دمکراسی واقعی، که برای استقرار جمهوری اسلامی رجوی است.

سازمان مجاهدین:

در حالیکه جمهوری اسلامی با ارائه آمار و ارقام ساختگی و غلوامیز در مورد آراء ریخته شده به صنلوق ها، حداکثر تلاش خود را جهت سوء استفاده از این رویداد و مشارکت بالسبی وسیع مردم در انتخابات بکار بوده و میبرد و رای مردم را، رای به نظام و ولایت فقیه و حکومت اسلامی قلمداد میکند، اسلام گرایان دیگری از همین فماش اما که خواهان جمهوری اسلامی دیگری البته از نوع (demokratیک)! آند، اقتلام غلوامیز رژیم را نیز عیناً به سیاق جمهوری اسلامی بزرگ نموده واز آن طرف قضایا می افتدند. اینها نیز که هیچ دریچه ای را برواقیت ها به روی خود گشوده تحمل نمی توانند، در غلو کردن تا آنجا پیش می روند که گاه واقعیت ها را نیز بکلی منکر میشنوند. سازمان مجاهدین نه فقط شرکت بالسبی وسیع مردم را در انتخابات انکار میکند، بلکه برای لین سازمان و شورای ملی مقاومت آن، قضیه اساساً به اینصورت مطرح است که اگر اساساً دستگاه حکومتی آمار شرکت کنندگان در انتخابات و یا تعداد رای داهندگان به خاتمی را بالا میبرد، این دقیقاً بخاطر چشم و هم چشمی رژیم در رقبات با مجاهدین و رئیس جمهور برگزیده آنهاست! چرا که نتیجه نظر خواهی مجاهدین از مردم کویا دلالت براین مسالمه داشته است که دو سوم مردم از رئیس جمهور مجاهدین مریم رجوی حمایت کرده اند!

سلطنت طلبان

سلطنت طلبان اگر چه برخورد یکستی با این رویداد نداشته و گاه در میان آنها خود اختلاف نظرهای دیده میشود، اما این برخوردها در کلیت اش با نوعی توهمن پراکنی نسبت به خاتمی و (نیات حسنی) وی نیز توان بوده است. سوای «شهریار ایران»! که رای مردم وانگیزه شرکت گسترده آنها در انتخابات ریاست جمهوری را «مخالفت با جمهوری»! خواند و البته نیمه دیگر منظور خویش را مکتوم گذاشت و رویش نشد جمله خود را کامل کند، اما مقصودش لین بود که این آراء ریخته شده در صنلوق ها در «مخالفت با جمهوری»! بمعنای موافق با سلطنت ایشان بوده

ستون مباحثات

مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب میگردد. هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال میگردد حداکثر میتواند حدود ۲۰۰ کلمه یا ۲ صفحه نشریه کار باشد.

جنجال بی مورد

برگزاری کنفرانس ششم اقلیت و تصمیم این نشست مبنی بر حذف دو واژه چیک و خلق از نام این سازمان، بنظر میرسد که در میان برخی از طرفداران این جیان عکس العمل هائی را مدنی زده است.

من بعنوان یکی از خوانندگان نشریه کار، مایل تادراین نوشته مختصر، درک خود را تفسیریابی اقیلت و نیز پر امون برخی از انتقادهای مطرح شده بیان دارم. اعلام موجودیت رسمی سازمان چیکهای فدائی خلق ایران باعث نظمی نظامی سیاهکل در بهمن ۴۹، فعالیت های انتلایبی این سازمان علیه رژیم شاه تامقطع قیام ۵۷ و مشارکت عملی و فعلانه این جیان در طول قیام، جایگاه ویژه ای رادرقلوب مردم برای نام زیبای فدائی اختصاص داده این جیان را زیک گروه سیاسی- نظامی محلود، در مدت نسبتاً کوتاهی به یک سازمان سیاسی بزرگ و نیرومند مبدل ساخت. بنحوی که طی یکی دو سال بعداز قیام، این جیان تقریباً درستار ایران، از محبویت و اعتبار سیاسی فوق العاده ای در میان مردم پرخوردار بود. اماوضعیت باهیین منوال پیش نرفت. زیرا سقوط رژیم شاه، استقرار حکومت اسلامی در ایران، بر ملاشیدن و عده های دروغین مسلمانان به قدرت رسیده، پیشه کردن سیاست سرکوب ازسوی آنان و بالآخر نزوم اتخاذ موضع درقبال هیئت حاکمه جیلوبنیز لزوم تعیین نحوه مشارکت و چگونگی مداخله فعل دروند مبارزه طبقاتی، باعث بروز اختلاف در این سازمان شد و آنرا یک انشعاب بزرگ روپرداخت. آنچه که مامور زد سقط جنبش بنام «اقلیت» می شناسیم محصول این انشعاب بزرگ است. طی این انشعاب در حالیکه جناح اکثریت سازمان در قبل حکومت جدید، تسلیم طلبی پیشه کرد، مردم و بالآخر هواهاران را به حمایت و پشتیبانی از حکومت باصطلاح «انتلایبی و ضد امپرالیستی» جلیل دعوت نمود، جناح اقلیت بطرور رسمی وعلیه حکومت جلیل بعنوان یک رژیم بورژوازی وضدانقلابی اتخاذ موضع نمود و توهه های مردم را به دفاع از دستاوردهای خود نیزیه ادامه مبارزه فراخواند. طی سالهای بعد از انشعاب، اقدامات عملی خود حکومت نیز درز مینه های متعدد، صحت تحلیل های اقلیت را ثابت کرد. اقلیت پس از شکل گیری خود، اقدامات سیاسی ارزنده ای را لازم بروزداده است که مختصراً به برخی از آنها اشاره میکنم.

۱- هنگامیکه پس از انشعاب سال ۵۹، بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای سازمان توسط حزب توده بعلیه شد، هواهاران سازمان را کفر تارس درگمی سیاسی ساخت و جنبش را بطرور چشمگیری تضعیف نمود، اقلیت با تمام توان به وظیفه انتلایبی وکمونیستی خود عمل کرد، علیه خیانت اکثریت بمنافع طبقه کارگر و تسلیم بی قیلوشتر جنبش کمونیستی واصلی ترین نیروی این جنبش به بورژوازی ایران، آنگونه که شایسته بودایستادو سرانجام ایزو لاسین و لفڑادسیاسی اکثریت را باعث شد.

۲- اقلیت، اهداف سیاسی و ماهیت بورژوازی شورای ملی مقاومت مجاهدین رانیز از همان بدلتکیل آن در سقط جنبش معرفی و پیگیرانه سیاست های عوام‌فیبانه آرا افشاء کرده است.

۳- یکی دیگر از بیانات این درخشنان ترین ابتکارات سیاسی اقلیت طرح موضوع استقلال طبقاتی طبقه کارگر و تاکید بر صفت ویساخ است. اهمیت استراتژیک این نظریه زمانی روشن ترمیشود که نه تنها به آموزش های متون

اقلیت و «احزاب برادر»

آقای سفیر، احترامات ما را پیشیرید.

رولان ولوس

منشی کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر «

نایب رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس فرانسه با ارسال نامه ای به وزارت امور خارجه این کشور، خواهان اعتراض به تقصی حقوق بشر در ایران شد.

« آقای وزیر،

در زندانهای ایران صدعاً زندانی سیلی ایرانی دست به اعتضاب غذا زده اند تا به حقوق آنان احترام گذشته شود. شش تن از آنان تاکنون جان خود را از دست داده اند. یک تظاهرات روز یکشنبه گذشته در توکادر (پاریس) انجام گرفت تا شرایط غیر قابل قبول حاکم بر زندانها افشاء شوند. فرانسه برای اعتراض علیه تحائز آشکار به حقوق بشر چه خواهد کرد؟

آقای وزیر، از شما خواهش می کنم که احترامات رفیع ما پیشیرید.

ژورژ هاز

وکیل «شمال» (از حزب کمونیست فرانسه)، نایب رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس

□ دانمارک: اکسیون اعتراضی در دفاع از زندانیان سیلی روز دوشنبه ۲۸/۷/۹۷ در پایان سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاین برگزار شد. شرکت کنندگان در این تظاهرات شعار میدانند «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» اطلاعیه هایی به زندانیان فارسی و دانمارکی نیز پخش شد.

□ هلند:

* به دعوت سازمانها و گروههای سیاسی روز ۳۰/۷/۹۷ آکسیونی در لاهه برگزار گردید. شرکت کنندگان نخست به راهپیمایی یه سوی سفارت جمهوری اسلامی پرداختند و ضمن تجمع در مقابل یکی از مراکز تروریستی رژیم، شعارهایی در حمایت از زندانیان سیاسی سرداشتند. پس از آن راهپیمایی قریب به ۱۵۰ تن به سوی دادگاه بین المللی لاهه ادامه یافت و نامه اعتراضی شرکت کنندگان خطاب به دادگاه لاهه و درمیکومیت جنایات رژیم علیه بشریت، تحويل مسئول روابط عمومی دادگاه بین المللی لاهه داده شد. این اکسیون که بیش از ۳ ساعت به طول انجامید، در رادیوی سراسری و روزنامه های کثیرالاشتار، انعکاس یافت. لازم به ذکر است که در آغاز این اکسیون، دو تن از عوامل وابسته به جمهوری اسلامی، ضمن حضور

اعتراض غذای زندانیان سیاسی و اقدامات اعتراضی علیه رژیم

تظاهر کنندگان با دادن شعارهایی در حمایت از زندانیان سیاسی و در محکومیت جمهوری اسلامی، ضمن همدردی با خانواده های زندانیان جان باخته، طی انتشار قطعنامه ای خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی و تشکیل یک دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایات سران رژیم جمهوری اسلامی شدند.

خبر این اکسیون وسیعاً در رسانه های گروهی فارسی و فرانسه زبان انعکاس یافت.

روزنامه «اومنیته» در شماره مورخ ۲۵/ژوئیه، خبر مربوط به اعتضاب غذای زندانیان و آکسیون اعتراضی پاریس را منتشر ساخت.

«سرکوب در زندانهای ایران» صدعاً تن از زندانیان سیلی ایران از روز ۷/ژوئن گذشته دست به اعتضاب غذا زده اند تا به حقوق آنان احترام گذاشته شود. دیروز خبر رسید که پروانه علی پور، یک دانشجوی ۲۶ ساله که در سال ۱۹۹۶ برای تعاقش به سازمان فدائیان (الفلیت) استگیر شده بود، ششین قیانی اعتضاب غذا می باشد. پنج زندانی دیگر در روزهای پیش جان باخته بودند: کامران یزدانی از سازمان کارگران انقلابی، حمیدرضا داداشی و مهداد وشقی، فعالین فدائیان، جعفر عباسی و عبدال阿拉罕ی از مجاهدین. یکشنبه گذشته بیش از ۳۰۰ نفر در صحن حقوق بشر توکادر در پاریس جمع شده تا شرایط غیر قابل قبول زندانهای ایران را افشاء کنند. اومنیته جمعه ۲۵/ژوئیه

(کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر در فرانسه و در جهان) وابسته به حزب کمونیست فرانسه طی نامه ای خطاب به سفارت جمهوری اسلامی، مرتب نگرانی خود را از وضعیت زندانیان سیاسی ابراز داشت.

«آقای سفیر، مرگ ششین اعتضاب‌گر غذا در زندانهای کشور شما ما را عیقاً متاثر کرد. تا آنچه که ما می دانیم او یک دانشجوی جوان ۲۶ ساله بوده که حرکت نومیدانه خود را با صدھا زندانی سیاسی دیگر از ۷/ژوئن آغاز کرده بود. کمیته ما بنام تمامی مردم کشور ما که شان و تمامیت انسانی را پاس می دارند از شما می خواهد که احساسات جویحه دار ما را به بالاترین مستولین کشور خود در این زمینه برسانید. همچنین به اطلاع آنان برسانید که ما در به کرسی نشاندن مطالبات زنان و مردان زندانی مصممیم و از آنان با تمام نیروی خود دفاع می کنیم.

قریب ۳ ساعت به تظاهرات پرداختند. در بخشی از اطلاعیه منتشره از سوی کمیته برگزار کننده آمده است: «... برماست که سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی را افشا کنیم و تا آنجا که توان داریم و امکانات اجازه می‌دهند نگذاریم که انسانهای که جرم شان فقط دگراندیشی است، قربانی توطنه های رژیم گردند. برماست که شرایط را دریابیم و به مقابله با سیاست ساتسور خبری که از شروع این اعتضاب در رسانه های خبری دولت های اروپائی «این مهد تملن و دمکراسی» وجود دارد برخیزیم.

برماست که صدعاً صدھا مادر، همسر و فرزند زندانیان سیاسی که برای دریافت خبری از عنیزانشان در مقابل زندانهای جمهوری اسلامی هر روزشان را بدون اطلاعی از آنان به شب می رسانند را به گوش جهانیان برسانیم. امروز را دریابیم، فردا دیر است.»

* روزهای شنبه ۲۰ و ۲۷ ژوئیه نیز اکسیونهای در مرکز هانوفر برگزار گردید. درین مراسم با توزیع اطلاعیه و جمع آوری امضاء، خبر اعتضاب غذای زندانیان سیاسی انعکاس یافت. بیش از ۴۰۰ تن از عابرین با امضا متن تهیه شده، خواستار آزادی زندانیان در ایران شدند.

* کلن: روز ۱۱ ژوئیه تظاهراتی از سوی «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی» و «تلش - کانون حمایت از مردم ایران» برگزار گردید. برگزار کنندگان در اطلاعیه های منتشره، برتسهیل مبارزات و جلب توجه افکار عمومی نسبت به سرکوب و کشتار توسط جمهوری اسلامی، تأکید نمودند.

* فرانکفورت - روزهای ۲۶ الی ۲۴ ژوئیه به دعوت «کمیته دفاع از زندانیان سیاسی»، اعتضاب غذایی در حمایت از مبارزات زندانیان سیاسی در ایران برگزار گردید. ضمناً پس از این اعتضاب سه روزه، برگزار کننده‌گان با توزیع اطلاعیه های افشاگرانه در معابر عمومی و مرکز شهر فرانکفورت، خبر اعتضاب غذای زندانیان سیاسی را منعکس نمودند. خبر حرکت اخیر در روزنامه های کثیرالاشتار آلمان انعکاس یافت.

□ فرانسه: ۲۰ ژوئیه بیش از سیصد تن با در دست داشتن شمع از ساعت ۲۲ تا نیمه شب در میدان «تروکادر» پاریس دست به تظاهرات زدند. این حرکت به فراخوان «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیقتی در ایران» و «کمیته ایرانی مبارزه با ترویسم جمهوری اسلامی» و در حمایت از اعتضاب غذای زندانیان سیاسی برگزار شد.

اعتراض غذای ...

یکی دیگر از زندانیان سیاسی جان باخت

آخرین اخبار از ادامه اعتضاب غذای زندانیان سیاسی ایران در تعدادی از زندانهای کشور حاکی است که پروانه (افتنه) علی پور ۲۶ ساله، دانشجوی دانشگاه جندی شاپور که یکسال و نیم پیش بهمراه تعداد به اتهام هواداری از سازمان ما دستگیر شده بود، در نتیجه اعتضاب غذا در زندان اهواز جان سپرد.

دیگری

عوامل سرکوب رژیم که خبر مرگ پروانه علی پور را به خانواده وی دادند، علت آن را خودکشی اعلام نمودند. پروانه علی پور ششمین زندانی سیاسی است که در نتیجه اعتضاب غذا جان خود را از دست می دهد. پیش از این نیز کامران یزدانی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در زندان اصفهان، حمید رضا داداشی و مهرداد وشقی از هواداران سازمان ما و نیز دو تن از هواداران سازمان مجاهدین، جعفر عباسی و عبدالرضا حامدی در زندان تبریز، جان سپرده بودند.

اعتضاب غذای زندانیان سیاسی ایران که از ۱۷ خرداد از زندان عادل آباد شیراز آغاز شد وسیس به زندانهای اصفهان، تبریز، اهواز بسط یافت، به رغم سرکوب و فشار رژیم جمهوری اسلامی، از جمله انتقال زندانیان به زندانهای انفرادی، منوع ساختن ملاقات، همچنان در برخی از زندانها ادامه دارد و زندانیان خواهان بهبود جلی در وضع زندان ها هستند.

در حالیکه زندانیان سیاسی در برخی زندانها دست به اعتضاب غذای خشک زده و هر لحظه یعن آن میرود که تعداد دیگری از پای درآیند، عوامل رژیم از پنیرش خواستهای زندانیان سیاسی سریاز می زند.

سازمان ما ضمن محکوم نمودن این اقدامات ارتقای رژیم که تاکنون به مرگ ۶ زندانی سیاسی انجامیده است، از همه نیروهای مترقبی و آزادیخواه و سازمانهای بشر دوست دوست میخواهد، باشیلید اقدامات اعتراضی خود علیه رژیم جمهوری اسلامی، حکومت را به پنیرش خواستهای زندانیان سیاسی وا دارند و اجازه ندهندکه در نتیجه ادامه سیاستهای ارتقای جمهوری اسلامی، تعداد دیگری از زندانیان سیاسی جان خود را از دست دهند.

در محل تجمع شرکت کنندگان، اقدام به فیلمبرداری نمودند که با هوشیاری شرکت کنندگان از این اقدام جاسوسی آنها جلوگیری به عمل آمد.

* روز ۱۵ ژوئیه به دعوت «جمعی از زندانیان سیاسی» تجمعی در مقابل دفتر عفو بین المللی در آمستردام برگزار گردید.

□ استرالیا: در سینه نیز دوشنبه ۹/۸/۴ یک آکسیون اعتراضی در برایر دفتر عفو بین الملل عليه جمهوری اسلامی و در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و مطالبات آنها برگزار گردید. اعتراض کنندگان از مقامات عفو بین الملل خواستند که وضعیت زندانیان سیاسی ایران را که دست به اعتضاب غذا زده اند، دنبال کنند و رژیم جمهوری اسلامی را برای پنیرش خواستهای زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند. متجاوز از ۵ تن از افرادی که در محل دفتر عفو بین الملل دست به تحصن زده بودند، پس از مذاکره با مقامات این سازمان، محل را ترک کردند.

لازم به ذکر است که در آکسیونهای فوق، فعالین و هواداران سازمان ما نیز مشارکت فعال داشتند. همچنین آکسیونهای دیگری نیز از جمله در انگلیس، برگزار شده است که تا زمان تنظیم این گوارش، اطلاع دقیقی از جزئیات آنها در دسترس نبود.

به علت تراکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

در شماره بعدی نشریه کار

به چاپ خواهد رسید

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقفیت)

جناح مورد

کارگردارنیک امرالزامی واجتناب ناپذیری نیست. اگرچه کمونیستها عجالتا برای استقرار «جمهوری دمکراتیک خلق» بعنوان یک هدف مرحله ای مبارزه میکنند، اما بعنوان کمونیست و معرف منافع طبقه کارگر طبقه علی و آشکارا درین راه خوداعلام کرده اندکه مقصد آنان بسیار فراتراز «جمهوری دمکراتیک خلق» است. کمونیستها، در ایران امروز، استقراریں جمهوری را تنهای مشابه پلی میدانندکه میتواند طبقه کارگر راه جامعه سوسالستی متصل کند.

آیا سازمان «افلیت» یک هدف است یا یک وسیله؟

مروج کوتاهی برهنجنبش و هر انقلابی در تاریخ ویرسی نقش احزاب و سازمانهای که در هدایت سیاسی این جنبش‌ها و انقلابات نقش تعیین کننده‌ای داشته‌اند ممید این امر است که هر دسته، گروه، سازمان، حزب، جبهه و خلاصه هر شکلی از یک تشکیلات، نهایتاً ابزاری هستند که در خدمت یک هدف سیاسی معینی قرار دارند و آنچه که تاثیق نهایی آن ثابت و یا تغییر می‌ماند هدف است و نه وسیله قطعاً اقلیت نیز نمی‌تواند این قاعده جهانی مستثنی باشد و نیست. بنابراین حسابی غیرلژام و یا هماهو و جنجال بی مورده‌ی اموون تغییرنام اقلیت انسوی متقلین، بنظر می‌رسد آندرکه شانه عشق پرشور آنان به وسیله است بیانگراییمان راسخ آنان به هدف نیست. پرسیلنی است که تغییرنام اقلیت کدام آسیب استراتژیک را متوجه انقلاب ایران کرده است؟ من براین اعتقادم که امروز میتوان اقلیت را، پس از تبدیک به دوده که طوفانهای سیاسی بسیاری را نیازسرگزرنده است باتوجه به میزان ارتقاء کیفی و تکامل نسبی آن در زمینه های متعدد فرهنگی، سازماندهی تشکیلاتی، سیاسی-ایشولوژیک، برنامه‌ای، تاکیتیک‌ها و اهداف مشخصی که تحقق آنها را در سوپرکاربمازالتی خود قرارداده است، آن هسته صیقل یافته و پالایش شده ای نامیده که از درون سازمان چریکهای فنازی خلق دو دهه قبل بیرون آمد است و امنورزاه حل اقلیت درقبال مسئله سرنگونی و حذف رئیم پور رئائی فعلی وارانه بدلیل سیاسی در مقابل آن کاملاً اصولی و لینی است. بالاخص طرح تاکتیک انتساب عمومی سیاسی که کارآئی آن‌النقالب ۵۷ ایران نیز اثبات کردنشان داده که این تاکتیک، به همانگونه که از نام آن نیز پیاست چنانچه عمومی و سراسری شود یعنی تنهایه انتسابات صنایع و کارخانجات محلود نگردد بلکه مدارس، دانشگاهها، بانکها، اداره‌های متعدد دولتی و دریک کلام سرتاسر جامعه را در بیرگیرد و از طرفی نیز چهارچوب صنفی را پاره کرده و رئیم را ب زیرعلامت سنوار برد و جنبه سیاسی مبارزه عده شود، آن موقع دیگر حتی روزمرگی جامعه نیز را راکخواه‌لشلو بیوژ در حوزه انتسابات کارگری، فعالیت کلیه واحدهای تولیدی متوقف خواهد گردید. این امرینه مالی حکومت را تعییف خواهد کرد و موازات ادامه انتسابات، حکومت از نظر اقتصادی بكلی فلح خواهد شد. دریک چنین وضعیتی چنانچه رئیم جهت پیشبردحتی امور روزمره جامعه، به هرگونه فشار ناظمی نیز متول شود و در ضد خود حکومت تبدیل خواهد شد و هرچه در این مسیر بیش رو دید و رشیرازه کارها از هم گسته خواهد شد و کنترل جامعه از دست رئیم بكلی خارج خواهد گشت و این امر رئیم را بطور جدی به زانور خواهد آورد. آنگاه برای پرجیلن قطعی بسیاط تنگین حکومت اسلامی ویکسره کردن کارآن، قیام مسلحانه، ضربه کاری و نهاده، را وارد خواهد ساخت.

از همه آنچه که تالینجا گفته شد میتوان به این جعبه‌بندی رسید که اقیلت، زمانی شایسته حمله خواهید بود که سنگر انقلاب را، سنگر منافع طبقه کارگرها، ترک کرده باشد. اما، مادام که علیرغم ضربات هولناک دشمن، سرافرازه و ازموضعي لقا لای و پرولتری علیه بورژوازی و مدافعين رنگارنگ آن مبارزه میکنیم گیرانه مواضع اصولی ولینی خود را بیش میبرد، باهمه ضعف هایش، یک سازمان سیاسی قابل دفاعی است و دفاع از مواضع و خط مشی آن، دفاع از م - ل، دفاع از منافع کارگران و حمکشان ایران و دفاع از انقلاب فرداست.

سلطه بورژوازی در جامعه ایران تلاش میکند اگرنشانه بیسادی سیاسی نباشد،
بیانگر ققنان انصاف انسانی است. معلومات مارکیسیتی و اطلاعات سیاسی و تاریخی
وسيعی لازم نیست تالین حقیقت پذیرفته شود که این احزاب رویزینویست، در طول
تمام موجودیت سیاسی خود، نه در مقابل بورژوازی بلکه در کنار آن ~~نه~~
اندود رشایطی که احزاب رسمی وعلیٰ بورژوازی قادر به حفظ منافع این طبقه نبوده
اند این وظیفه را «احزاب برادر» عهده دارشده اند. در این نیز، جریان مورثائیه
«احزاب برادر» همیشه وسط رستنی، نه اقلیت بلکه حزب توده بوده است و آنایی که
مسائل جنبش ایران را حاذقان در طی دوره کشته دنبال کرده باشند میدانند که
اقلیت خودیشترین مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک راعلیه حزب توده و انشاء خیانت
های آن انجام داده است. این درست است که از درون سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران کسانی سربرآوردنده فدائی «امام» شنیدواز آشته شدن خون خود و خون
پاسداران کسب «شرف» و افتخار نمودند، یا کسانی سربرآوردنده فدائی مجاهدین
شنیدنوباشت نام درکلوب شورای ملی مقاومت در تلاش و تقلا هستند تا بلکه حکومت
اسلامی دیگری مستقرسازند، اما چه کسی است که ندانانقلیت خودیشترین مبارزه
راعلیه این دارودسته مرتدانجام داده است وزینهای فراوانی رانیزاز جانب آنان
متتحمل شده است. بنابراین مخالفت با خط مشی و موضع یک جریان سیاسی،
مبارزه نظری اصولی و صحیحی راطلب میکنوهیچ عنصر سیاسی جدی و با صلاقتی
رامجاز نمی شمارد تا به یک سلسه اتهامات بی اساس و کاهی حتی به هنیان
متولی شود بدلن اینکه قادر به استلال و اثبات نقطه نظرات خوب باشد.

به موضوع دیگری میپردازم.

پرسیده شده است که چرا واژه خلق در نام سازمان ایرادارداماهیمین واژه در شعار اصلی سازمان یعنی «جمهوری دمکراتیک خلق» ایرانی ندارد؟

هشدارهای حکومتی از زبان

رئیس قوه قضائیہ و فرماندہ سپاہ

کرده بود. حرف های رئیس قوه قضائیه درجو بعد ازشکست جناحی که وی متعلق به آن است آنهم به سبب مداخله مردم در امراض تاختابات و نقش و تاثیر قطبی این مداخله در شکست این جناح، ضمن بیان نگرانی او زایین اوضاع درواقع امر در تقابل با چنین روندی است و بدین وسیله میخواهند هرگونه پیشرفت و تحولی احتمالی را در این مسیر مسدود کنند. این سخنان در عین حال هشدار آشکاری است به جناح مقابل که خیال نکنند با چند میلیون رأی خواهد توانست اعتبار و حقیقت حکومتی برای خود دست و پا کند و بای استفاده از آن و به پشتوناه آن، مستقل از لی امور رهبری کارهای انجام دهد.

علاوه بر پریس قوه قضائیه، سرلشکر رضائی فرمانده سپاه پاسداران نیز طی سخنانی که در اواسط ماه گذشته بزرگان را داد، وجود دیگری از این هشدارهای ایرانی کرد. مداخله رضائی و سپاه تحت الامر وی به نفع جناح خامنه‌ای و حمایت از ناطق نوری آنهم برغم منوعیت های باصطلاح قانونی، چیزی نبود که از چشم جناح پیروز مخفی ماندۀ باشد. پس از قطعی شدن شکست جناح خامنه‌ای دورازدۀ نبودگارکه ازسوی جناح پیروز محدودیت هایی برای افراد هبری سپاه بوجود آیدیمیان آنها جایگاهی هائی صورت گیرد. البته سرلشکر رضائی، حسین الله کرم نبود و گرفتن یقه او ساده نبود، اما فشارهای جانبی مستقیم و غیرمستقیم وبالآخر شایعه استغفار وی، سرانجام اورا وارد شد تا در برلاین شایعه و مسائل حول وحش آن موضع خود را باید اینجا معرفت کند. وی در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی کوتاه و صریح گفت که «سپاه وسیع بالین شایعات خوکرته انتونمن هرگز از سپاه جانخواه شد» نقش مهم وانکاران پنی سپاه در امنیت ملی کشور» جمله خود را اینطور تکرار و در عین حال تکمیل کرد «من هرگز از سپاه جانخواه شد همانطور که از روحانیت و رهبری اسلام و ملت ایران شلوبیاس مقس سریازی و پاسداری از اسلام و ملت ایران برای من افتخاریزگی است که انشا الله آنرا حفظ خواهی کردد». فرمانده سپاه پاسداران بپیطریق ضمن پایان دادن به شایعه استغفار خود تصریح کرد که او برغم شکست جناحی که ایرانی پیروزیش تلاش ورزیده است، کماکان در صحنه است و به جناح مقابل اطمینان داد که بسیج سپاه برای استقرار نظم و امنیت، در کار روحانیت و کوش بفرمان رهبر خواهی بود. هم سخنان یزدی و هم تاجی سخنان رضائی را ساسا باشیستی هشدارهای حکومتی تلقی کرد. این هشدارها ناظر بر این مسئله است که برغم تحولات اخیر و انتخاب خاتمی ولو برأی بلا، حکومت، حکومت اسلامی است و ولی امر مسلمین، فقیه جامع الشیاطی آیت الله خامنه‌ای است. هم اوست که مستقل از لینکه چه کسی در موردش چه فکر کند، حق حکومت و ولایت و تصرف در تمام شئون اجتماعی را دارد و همسکان، اعم از شکست خود کان پیروز شده کان باشیستی کوش بفرمان وی باشد، از دستورات او اکیدا متابعت کنند، نظم و امنیت را رعایت نمایند و جزیه عبودیت و انجام فرایض دینی به چیزیگری نیانیشند که در غیر این صورت سروکارشان در مرحله اول بادستگاه قضائی وسیع و سپاه پاسداران است. تاثیرگذاری این هشدارها بر مردم اما، دیریست که زمانش گذشته است!

بعد از شکست جناح خامنه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری، عناصر سرشناس وابسته به این جناح که بیویه علنا به زیان و پر ضد خاتمی و جناح وی به موضوعگیری و مداخله پرداخته بودند، سخنانی برزیان رانده اندکه نه فقط حاکم از تداوم رقبت‌ها و منازعات حکومتی پرسپیست‌ها و پرسقیرت بیشتر است، بلکه در عین حال گویای این حقیقت است که جناح شکست خورده برغم افتضاحی که در جای انتخابات اخیر بیارآورده، به پیچوچه تصمیم ندارد از مواضع خود عدول کرده و یا عاقب بشنیدن. و نه فقط چنین تصمیمی ندارد بلکه حتی به مخالفین خود دوکلیه کسانی که از توازن قوای جلیل میخواهند بزیان جناح «راست سنتی» بهره برداری نموده و احیانا نوع حکومت اسلامی و موزایین آنرا بیستول ببرند، هشدارهم می‌دهند. از این مقوله است سخنان صریح آیت الله بیزدی و سرلشکر رضائی که هر یک در اساس یک ارگان مهم سرکوب قراردارند.

پزدی رئیس قوه قضائیه در دیدار با قضات و کارکنان سازمان قضائی نیروهای مسلح سخنرانی ایجاد کرده در آن بررسی نکاتی انگشت گذاشت که سروصدای زیادی را داشت. درین صحبت ها اکرچه هیچ نکته تازه ویش ناکنته ای وجود نداشت و از نظر گوینده آن هم سخنرانی بسیار عادی و نکاتی بدیهی می نمود که فی الواقع در حکومت اسلامی بدیهی هم هست، اما از آنجاکه برسیتر شرایط جاری جامعه و فضای آنکه از شکست جناح قوی تر حکومتی بیان میشد، بازتاب گسترده ای در میان مردم پیش کرد و مخالفت های رانیز برانگیخت. درین سخنرانی آقای پزدی ضمن استناد به محمد پیامبر مسلمین و حکومت وی یعنوان الگوی حکومت اسلامی و نیز بالشاره به نظرات و برداشت های خمینی بینانگذار جمهوری اسلامی، یکبار دیگر در زمینه اختیارات ولی فقیه، منشا قدرت و ولایت اموخلاصه نقش وجایگاه مردم در حکومت اسلامی به اظهار نظر پرداخت. وی ضمن تاکید بر «حق تصرف ولی امر در تمام شئون جامعه» به ذکرین نکته پرداخت که ولی امور رهبرشن و داشتن «حق ولایت بر مردم» ربطی به مردم، خواست، نظرورای آنها ندارد. این «حق» را «خاوند» به او «اعطا» میکند. اوراین زمینه در اثبات این قضیه گفت که پیامبرهم «حق ولایت خود بر مردم را برای آنها بست نیارده بود که با کم وزن داشتن آراء این حق تضعیف و باشقویت شود». آقای پزدی برای آنکه جایگاه و نقش مردم را در حکومت اسلامی باز هم بیشتر شکافته و هیچگونه ابهامی در این زمینه باقی نگذاشته باشد، بعلاوه وظیفه آنها را بر این قبیه و ولی امر یعنی کسیکه حق حکومت و ولایت و تصرف در همه شئون جامعه را خارا نبینی اعطای کرده است روشن کرده باشد، در مردم «بیعت» مردم با ولی امر هم توضیح داد که «بیعت مردم با ولی امر بمعنای دادن حق حکومت باو نیست بلکه برای مطاع بودن و تخلف نکردن از دستورات ولی امر است».

أخبار کارگری جهان

به بررسی ۱۷ مورد از مجموع ۶۷ شکایات رسیده پرداخت که مهمترین آنها عبارتند از :

الف : کتوانسیون ۱۱۱ - مصوب ۱۹۵۸: ممنوعیت تبعیض در استخدام و استغلال

کنفرانس، جمهوری اسلامی ایران را به علت اعمال تبعیض بپایه جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی در امر استخدام و استغلال محکوم نمود. از سوی دیگر به علت کثرت شکایات رسیده از جمهوری اسلامی، مقرر گشت، مقامات جمهوری اسلامی «همکاریهای لازم با کمیسیونهای ناظر و رابط به عمل آورند» سازمان بین المللی کار، محلودیت زنان در استغلال در سمت قضایت را تبعیض بپایه جنسیت و محلودیت اشتغال و استخدام بهائیان و معتقدین سایر مذاهب غیر رسمی را تبعیض بپایه مذهب ارزیابی نمود و رای برمحکومیت جمهوری اسلامی ایران داد.

ب: کتوانسیون ۹۸ - مصوب ۱۹۴۹ - حق تشکل و انعقاد قراردادهای دسته جمعی فشار و سرکوب فالین کارگری در مراکش محکوم شد و دولت این کشور موظف گردید «به همکاری با هیات های ناظر پردازد».

ج: کتوانسیون ۷۷ - مصوب ۱۹۴۸ - آزادی احتجاجات و بوسیمه شناختن حق تشکل میانمار به خاطر تقض مکرر این قرارداد محکوم گردید و به «به کارگیری روشاهی موثر در تامین کتوانسیون ۸۷» دعوت شد. همچنین نیجریه نیز که سرکوب، دستگیری و کشتهای فالین کارگری این کشور را همچنان ادامه میلهد، ناقض این کتوانسیون معرفی شد. سازمان بین المللی کار، عملاً از محکوم نمودن جمهوری اسلامی در زمینه تقض این ماده در جریان اعتصاب وسیع نتفگران در چند ماه گذشته چشم پوشی نمود. این درحالی است که اتحادیه ها و سنتیکاهای جهانی، جمهوری اسلامی را به زیر پاکناردن ماده ۸۷ محکوم نموده بودند.

د: کتوانسیون ۲۹ - مصوب ۱۹۳۰ - لغو کار اجباری (ایگاری)

سازمان بین المللی کار، سودان را به علت تقض مستمر کتوانسیون ۲۹ محکوم نمود. در اسناد ILO بپایه اطلاعات جمع آوری شده از شاهلین عینی، به وجود اردوگاههای کاری اشاره شده است که در مناطق کوهستانی واقع در جنوب سودان، عمدتاً زنان و کودکان را به بیگاری وا می دارند.

لازم به ذکر است که کنفرانس اخیر تنها به بررسی ۱۷ مورد از مجموع ۶۷ شکایات رسیده در زمینه تقض مصوبات رسیدگی نمود.

تلوزیون سازی در شهرهای SKIVE و STUER دست به اعتتصاب زدند. این حرکت در اعتراض به تلاشهای مدیریت به منظور کاهش نقش کارگران در مذاکرات مربوط به نحوه افزایش دستمزدها انجام گرفت. پس از ۴ روز، کارگران با تأکید برحق دخالت خود، کار را از سر گرفتند.

* روز ۲ ژوئیه، ۴۰۰ تن از کارگران مرغباری در شهر SKIVE در اعتراض به نحوه پرداخت پاداش اضافه تولید، دست به اعتتصاب زدند. این اعتتصاب تا روز ۹ ژوئیه به طول انجامیده و بالاخره با توافق نمایندگان کارگران و کارفرمایان پایان یافت.

□ استرالیا : بیش از ۱۰ هزار تن از کارگران معادن، برق، حمل و نقل و بخش خدمات در اعتراض به عدم انعقاد قراردادهای دسته جمعی، روز ۲۶ ژوئن در سیلندی دست به تظاهرات زدند و تولید را متوقف نمودند. در این اجتماع، کارگران همچنین با دادن شعارهای «دستها از اتحادیه ها کوتاه»، «ما متعدد می مانیم» و . . . نسبت به تعزیزات به حقوق اتحادیه ای اعتراض نمودند.

در پایان این حرکت، کارگران، به سوی پارلمان این کشور راهپیمایی نمودند و خواهان جلوگیری از خصوصی شدن صنایع برق شدند.

□ فرانسه: تلاوم اخراج کارگران در ژوئیه سال جاری، شرکت آب معلق (پریه) اعلام نمود ۳۸۰ کارگر از مجموع ۲۲۵ تن از کارگران این واحد صنعتی شرکت واقع در «ورژر» اخراج خواهند شد.

همچنین شرکت مدیریت آب به اخراج ۳۶۰ کارگر و انتقال ۳۳۶ کارگر دیگر اقام می کند. شرکت Alcatel cit تعداد ۱۵۱۱ تن از مجموع ۹۰۰ تن کارگر را در ۷ کارخانه اخراج می نماید.

سیاست اخراج کارگران در شرایطی تلاوم می یابد که طبق آمار منتشره، شرکت های فرانسوی در سال ۹۵ سود خالصی برابر با ۱۷۲۵ میلیارد فرانک به حیب زده اند. ۶۹۰ میلیارد فرانک آن در سوداگریهای بورس بکار اتخاذ شده و از قبل آن بهره ای بالغ بر ۷۴۱ میلیارد فرانک عاییشان شده است. درآمدهای مالی شرکتها از ۳۲۱ میلیارد فرانک در سال ۹۴ به ۳۵۳ میلیارد فرانک در سال ۹۵ افزایش یافته است.

□ در پنجاه و هشتین کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار . . . که در ژوئن سال جاری در تئو برگزار شد، جمهوری اسلامی ایران به خاطر تقض مصوبات بین المللی مورد محکومیت قرار گرفت. ایران، میانمار، مراکش، نیجریه، و سودان ناقض کتوانسیونهای ۲۹، ۸۷، ۹۸ و ۱۱۱ سازمان بین المللی کار معرفی شدند. لازم به ذکر است که کنفرانس تنها

□ اسرائیل : بیش از شصت هزار تن از کارگران و کارکنان راه آهن و پست در اعتراض به خصوصی شدن این مراکز، از روز ۱۸ ژوئیه، دست به اعتتصاب زدند. در نتیجه این اعتتصاب کلیه امور در اورشلیم فلаж شد.

□ فیلیپین : در اواسط ژوئیه، بیش از بیست هزار نفر در اعتتصاب به بیکاری و روند رو به رشد آن، دست به تظاهرات در مانیل زدند. آنان سپس به تجمع در مقابل پارلمان این کشور پرداختند و خواهان ایجاد اشتغال شدند. در جریان این حرکت، پلیس ضد شورش به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخت که در نتیجه آن دهها تن مجروح شدند.

□ آمریکا: بیش از ۱۵۰ هزار تن از کارکنان خدمات پستی از روز ۵ اوت دست به اعتتصاب زدند. اعتتصابیون خواهان افزایش دستمزدها و بهبود مزیا هستند.

افزایش سرکوب فعالین کارگری در سال ۶۹

به گزارش کنفرانسیون اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU) در سال ۱۹۹۶، فعالین کارگری در ۱۰۸ کشور جهان مورد آزار و اذیت ، دستگیری، شکنجه و قتل قرار گرفته اند. در این گزارش ضمن اشاره به بی سابقه بودن میزان و گستردگی سرکوب، آمده است : « . . . فقر و تاباربری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در حال گسترش است. جهانی شدن روزافزون سرمایه و نیاز کشورهای جهان برای جذب سرمایه، نتیجه ای جز و خامت بیش از پیش شرایط کار و زیست کارگران این کشورها در برداشته است. طی سال ۹۶، حداقل ۲۶۴ تن از فعالین کارگری به قتل رسیده اند. ۱۷۶۲ تن مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. ۴۲۶۴ نفر دستگیر و ۱۵ هزار کارگر به دلیل شرکت در حرکات اعتراضی و اعتتصابات از کار اخراج شده اند.

□ دانمارک: روز ۲۰ می، کارگران شرکت نصب دارست فلزی در شهر «آرهوس» با خواست افزایش دستمزد به میزان ۷ درصد، دست به اعتتصاب زدند. پس از یک هفته، کارفرمایان کلیه کارگران اعتتصابی را اخراج نمودند. بنابراین این اقدام، کارگران روز اول ژوئیه محل کار خود را اشغال کرده و خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند. با مخالفت کارفرمایان با افزایش دستمزدها، کارگران ۴ شرکت از روز ۶ ژوئیه، اعتتصاب نامحلودی را آغاز کردند. آنان اعلام داشته اند تا تحقق مطالباتشان ، به اعتتصاب ادامه خواهند داد.

* قریب به ۹۰۰ تن از کارگران کارخانه های رایبو و

مستقیم خواست مردم رحمتکش را در تحقق همین وعده ها محدود خلاصه میکند، در عین حال با یک نگرانی آشکار و قابل فهم از دست زدن مردم به اقدام علیه رژیم نیز همراه است مثلاً جبهه ملی ایران در اطلاعیه ای می نویسد «جای نگرانی بسیار خواهد بود اگر این نیروی عظیم از انجام خواسته هایش به شیوه مسالمت آمیز نا امید گردند، زیرا که در آنصورت بیم آن میرود تا راه های را برگزینند که میتواند کشور را با بحرانها و مشکلات خطر آفرین مواجه سازد، امید که چنین میاد» ! و یا آقای پیمان از جنبش مسلمانان مبارز میگوید «انتظار مردم اینست که حاکمیت . . . در سیاست ها و بینش خود نسبت به حقوق آزادیهای مردم تجلید نظر کرده و رئیس جمهور جدید را در اجرای برنامه ها و تحقق وعده هایی که در این رابطه به مردم داده است یاری کند. زیرا اگر مردم راه مسالمت آمیز و پروقاری را برای بیان ناراضیتی خود انتخاب کرده اند ، چرا باید حاکمیت با واکنش های نامطلوب جامعه را بسوی خشونت و قهر که نتیجه ای جز ویرانی ندارد سوق دهد» !

کسیکه میخواهد محمد خاتمی را کانلیلای مورد نظر مردم و انتخاب وی را ولو در چارچوب همان مفهوم بورژوازی اش «حاکمیت ملت» قلمداد نماید، این فرد اگر سر وسری با حکومت اسلامی نداشته باشد، دست کم آنکه حقایق را تحریف کرده و دروغ میگیرد. امروز اینموضع که مردم اساسا در مخالفت با جناح دیگر حکومتی به خاتمی رای داده اند، نه اینکه وی را کانلیلای مورد دلخواه خود تلقی کرده باشند، برهمنگان روشن شده و حتی از محافل درون رژیم هم این برداشت شنیده شده و در روزنامه های آن هم انعکاس می یابد. مردم کاری که گردند از تنها امکان بالفعل و کاتالی که از بروز شکاف در میان جناح های حکومتی در دسترس آنها قرار گرفته بود، به بهترین نحوی سود جسته و با ریختن آراء خود به نفع خاتمی، مخالفت آشکار خود با جناح غالب حکومتی و جناحی که مورد حمایت ولی فقیه است اعلام کردند. فراموش نکنیم که مردم مخالفت خود را علنا با ولی فقیه یعنی کسیکه در راس حکومت و در راس نظام و محور آن است اعلام داشتند. هر آینه کسی ریگی به کفشه نمیداشت و یا نداشته باشد، بحرورداری از یک استعداد متوسط هوشی هم کافی بودتا به مخالفت مردم با رژیم ازین حرکت ظرف آنها متوجه شود و حرفهمای حکومت و دست اندرکارانش راواگریه نکند. وگرنه اصل قضیه روشن تر از آن است که به این نیاز باشد تا باریگر درباره بی معنی بودن و ضد دمکراسی بودن انتخابات در حکومت اسلامی و حذف ۲۳۴ نفر از کانلیلای ریاست جمهوری و انتخاب ۴ نفر از جمله آقای خاتمی توسط شورای نگهبان و غیره وغیره صحبت شود .

از سوی دیگر این حضرات پویندگان راه بند ویست و

درون آن، می شود به «اصلاحات دمکراتیک» جامه عمل پوشاند، به استبداد پایان داد و به آزادیهای سیاسی دست یافت. این نیروها اگر چه برس تحریم و یا علم تحریم انتخابات ریاست جمهوری موضع دقیقاً یکسانی اتخاذ نکرند، اما پس از آن به تابیخ یکسانی رسیلنند و ضمن حمله به تحریم کنندگان انتخابات، بیش از پیش پیرامون «اصلاح طلبان» حکومتی سروصدای پا کرده و با جلیت بیشتری این بار حول وحش محمد خاتمی بعنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی به توهم پراکنی پرداخته و داشما بیو نصیحت می کنند و به وعده هایش عمل نموده و از هرگونه واکنشی که جامعه را بسوی «خشونت و قهر» و راههای «خط آفرین» بکشاند، پرهیز شود. اینان در عین آنکه شرکت بالتبه وسیع مردم در انتخابات را دلیلی براین موضوع میبینند که مردم خواستار آنند که با روش های مسالمت آمیز به «آزادی و مردم سالاری» برسند، در عین حال همین موضوع را دلیلی براینکه تحقق آزادیهای سیاسی در حیات و بقاء حکومت اسلامی میبینند و البته تا دلخان بخواهد درین زمینه زیاده گوئی می کنند.

مثل اعضا ساقی حزب توده و عضو فعلی و سرشناس ! «حزب دمکراتیک مردم ایران» که در روزنامه های رژیم هم پاروچی می نویسد(ویا می نوشت) ضمن آنکه ادعای کرده است. درصد حائزین شرایط انتخابات در آن شرکت کرده اند- البته بی آنکه منبع آماری خود را قید کند- معتقد است که سرکار آمدن خاتمی همان «حاکمیت ملت» است. او میگوید که همان نود درصد حائزین شرایط «باگزینش نامزد موردنظر خود حاکمیت ملت را به کرسی نشانند». شورای مرکزی این حزب نیز پس از پایان انتخابات در اطلاعیه ای چنین نتیجه گیری نموده و نوشت است که «مردم ایران آزادی و تغییرات را درآماده خواستارند و باراه و روش خود مهر تایید بر روش پیکار مسالمت آمیز برای آزادی و مردم سالاری زده اند»!

کسان دیگری از همین قماش آقای بلک امیر خسروی نیز در نظرخواهی نشریه سازمان اکثریت شماره ۱۶۰ پیرامون مساله انتخابات و تابیخ آن، سخنانی قریب به همین مضمون بیان کرده اند. یکی از اینها خطاب به نیروهای چپ و اقلابی و نیز سایر جریانات اپوزیسیون که خواهان سرنگونی رژیم اند چنین درس و اندرز میلدهد که بیش از این از موضوع «تحول پنیری دولت» برادر «جنبش مردمی» غافل نماند. چرا که این دولت است که با تحول پنیری خود، راه را به سوی «جامعه مدنی» می گشاید و «آزادی و دمکراسی» میلدهد و الی آخر.

شیرین زبانیهای سخنگویان این بخش از بورژوازی در مورد «حاکمیت ملت» و «دولت تحول پنیر» جمهوری اسلامی که گویا قرار است در یک روند مسالمت آمیز، آزادی و دمکراسی اعطای کند، ضمن آنکه همه جا با ترغیب خاتمی و همفرکن وی به عملی کردن وعده های داده شده توازن دارد و درواقع امر من غیر

اپوزیسیون ، تغییرات اخیر . . .

نشود و چنان حادثی رخ ناهد و توده رحمتکش مردم از تحولات و اداره امور کشور بکلی برکنار بماند. جوهر بحث سلطنت طلبان اینست که خاتمی و همفرکن وی را به انجام پاره ای اصلاحات جزئی راضی کنند، عجالتا اوضاع را آزم و «بحران ایران» را خاتمه دهند و در هر حال مانع انقلاب و قیام کارگران و رحمتکشان گردند. سلطنت طلبان که خود مدافعین دوآتشه استبداد سلطنتی بوده اند و در نفی و لگد کوب کردن آزادیهای سیاسی، در سرکوب و نفی احزاب، تشکلها و نیروهای انقلابی و در سلطه طولانی مدت خود کامگی و استبداد زدگی جامعه نقش بس مهمی ایفا کرده اند، ممکن است امروز علیه استبداد آخوندی سخنی بگویند و از آزادی و دمکراسی و غیره نیز صحبت هایی بیان آورند، اما از آنجا که عمیقا با هرگونه تحول بنیادی که بخواهد به نفع کارگر و رحمتکش رقم بخورد سخت مخالفند، ولو آنکه امروز انتخابات رژیم راهم تحریم کرده باشند و یا حتی شعار سرنگونی سردهند، در نهایت اما اگر که قرار باشد قدرت از دست طبقات دارا خارج گردد، اداره امور کشور بدلست مردم رحمتکش بیفتند و یک حکومت کارگری برسکار آید، بی هیچ درنگ و شبهه ای، همین رژیم حاکم را ترجیح داده واز آن دفاع خواهند کرد.

جمهوریخواهان :

جمهوریخواهان را شاید بتوان جدی ترین بخشی از بورژوازی خواند که خواهان پاره ای اصلاحات جزئی در چارچوب همین رژیم حاکم یعنی رژیم جمهوری اسلامی است. نهضت آزادی، جبهه ملی ایران، جمهوریخواهان ملی ایران و طیفی از سوسیال - لیبرال (انتظیر حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان اکثریت و . . .) در شمار مهمنشین سازمان ها و مخالفی هستند که اساسا برای سهیم شدن در قدرت و تحقق اهداف این بخش از بورژوازی فعالیت میکنند. اینان که مکرر در مکرر مخالفت خود را با مساله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آشکارا اعلام نموده و نمی توانند وحشت شان را از قیام و خیزش کارگران و رحمتکشان مخفی کنند و در ضدیت با انقلاب توده ای تردیدی بخود راه نداده و نمیلند، بخش اعظمی از فعالیت ها و حجم عمله ای از نوشتارشان صرف آرایش چهره رژیم جمهوری اسلامی شده است. اینان که چندین سال است می خواهند درعین حفظ نظام حاکم موجود، جامعه را بطور مسالمت آمیز از استبداد به «(دمکراسی) گذار دهند، بورژوه بعد از انتخابات ریاست جمهوری سریلنکرده و حتی با حمله آشکار به منافقین سرنگونی رژیم و زبان درازی علیه نیروهای چپ و اقلابی، باریگر براین نکته بکلی پرت انگشت می نهند که گویا در زیر سایه رژیم جمهوری اسلامی و با کمک و همکاری جناح هایی از

خبری از ایران

شهرداری منطقه ۲۰ تهران: «همین که هست»

جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۲۰ تهران که با داشتن ۲۵ سال سابقه کار در نتیجه سیاست «تعیل نیروی انسانی» موقتاً اخراج شده بودند، با ارسال نامه ای خطاب به شهردار این منطقه، خواستار بازگشت به کار شدند. شهردار منطقه نه تنها از رسیدگی به این خواست آنان سریاز زبالکه در نامه خود به حکم اخراج کارگران قطعیت پخشید و افزود: «هر کاری که میخواهد بکنید و به هرمقامتی که میخواهد مراجعه نماید، همین که هست».

ركود در واحدهای تولیدی

رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی صنایع تولیدی مواد شوینده اعلام کرد، هم اکنون ۵۰ درصد از طرفیت نصب شده در صنایع تولیدی محصولات شوینده و بهداشتی در کشور مورد استفاده قرار میگیرد. وی عمدۀ ترین موانع تولید در این بخش را «کمبود تقاضنگی ریالی، محرومیت قیمت‌گذاری، کمبود سهمیه ارزی برای واردات مواد اولیه» برشمرد.

صدھا تن از گردهای آواره به شمال عراق بازگردانده شدند

عصر روز سه شنبه ۱۷ تیر، ملیلر کل اتباع بیگانه در گفتگویی با خبرنگاران گفت: دو میلیون پناهندۀ و مهاجر در ایران سر میبرند که از این تعداد ۱ میلیون ۲۸۰ هزار نفر افغانی، ۴۹۰ هزار نفر عراقي و ۳۰۰ هزار نفر از سایر کشورها و ملتها هستند. وی بارديگر فاش ساخت که جمهوری اسلامي با هماهنگي کيساريای عالي سازمان ملل، طرح بازگردانن آورگان عراقي و مهاجرين افغانی را بمورد اجرا گذاشته و از جمله يك روز قبل از اين گفتگو ۴۲۰ تن از کردها، به شمال عراق بازگرداند شده اند. وی همچنین يکبار ديدگر از پناهندگان و آورگان افغانی و عراقي خواست تا جهت بازگشت به کشورهای خودشان به فرماناريهاي حوزه محل اقامت خود مراجعه و مشخصات خود را اعلام نمایند تا ترتيب عودت آنها داده شود. آقاي ملير کل همچنین با تقل خبر دروغ و بیشمانه اى مبنی برقتل يازده زن توسط يك افغانی که قبلا با اهداف و برنامه معينی توسط جمهوری اسلامي پخش شده بود، سعی در برلگيختن احساسات ناسيوناليستي و ضد خارجي در ميان ايرانيان نمود تا فضائي مسمومي بويشه برضد افغانيان زحمتش را ايجاد نموده و

خدمتگاران را هم برني تابد. از ميان اين نبوروها، سازمان اکثریت که انتخابات رياست جمهوري را ولو با تأخير و تزلزل تحريم کرده بود و بعد از برگاري آن در اظهار ثبات و پيشماني از اين موضع گيري، گوی سبقت را از همه عناصر واخورد و روشفرکان لبيرال مسلك روپرداشت، اکنون برای به انحراف کشاندن مبارزات مردم و ابقاء ارجاع اسلامي، از همه پرچوش و خوش تر وارد ميان شده است از اينرو ارزش آن را هم دارد که موضع آن مستقلان مورد تقد پيرسي قرار گيرد.

اداھه دارد

اپوزیسیون، تغییرات اخیر ...

ساژش با رژيم که اينهمه در مورد مبارزه مسالمت آميز داد سخن ميلهند و اينکه مردم با شركت در انتخابات گويا نشان داده اند که برای رسيدن به آزادی و دمکراسی راه مسالمت آميز را پردازد اند، معلوم نیست، چرا در مورد اعمال قهر و خشونت از سوی رژيم که در سرکوبگري شهره خاص و عام است لال مونی گرفته نيز کلامي در باره قيامها و شورش هاي شهری و غيره بزنان نمي آورند؟ اينکه چگونه و از چه راه و روشي توه زحمتش مردم خواهد توانست به حقوق و مطالبات خود دست یافته به آزادی و دمکراسی برسد، پائين تر با آن خواهیم پرداخت، در اينجا همینقدر کافي است گفته شود که مردم في نفسه نه قبل از انتخابات و نه بعد از آن خواهان اعمال قهر و خشونت نبوده و نیستند، همگان اما به کرات دیده ايم و ناظر اين واقعیت بوده ايم که حکومت اسلامي همینکه کارگر و زحمتش دهانش را برای طرح خواست و مطالبه اش باز کرده، چگونه آن را از سرب و کلوله اباشته است!

از اين گذشته ايراد سخنان ديرگري در باب «انتظار مردم» از حاكمت به تجليد نظر بيش و سياستهايش تسبت به حقوق و آزاديهای سياسي، معنايش يا ميتواند اين باشد که گوينده اين سخنان شناخت دقيقی از مردم ندارد و حاكمت و رژيم جمهوري اسلامي را نيز آنطور که هست و يابد نشناخته است و يالينکه خود را بجای مردم نهاده و در واقع پشت سر مردم، انتظار دولت يابد موردتائيد مجلسی قرارگيرند که اکثریت آنرا جناح رامحکمه و مجازات کند. پراوضح است که با ترتیب و رژيم که ازها چنین جيزي ممکن نیست، ياملا اگر قرارگيرند، خاتمي باشند که اينها درست هاي کليدي خواهدداد.

خاتمي برای پيشبرد سياستها و برنامه هاي خودباید کلينه اى داشته باشند آنها را بشيرد، اما اعضاء هيئت دولت يابد موردتائيد مجلسی قرارگيرند که ميکنند اين رقيب در دست دارنوع جالتا مذاقل کاري که خاتمي هنوز نتوانسته باشند که اينها درست هاي کليدي قرارگيرند. اين که خاتمي هنوز نتوانسته باشند که از بنياد با آزادی و دمکراسی مغایر است و متضاد - ناظر بوده است، کسيکه تفري و از جار توه زحمتش مردم از رژيم ولايت فقيه را دست کم در مجلس يابد برنامه و سياستهاي خاتمي را تصويب کند. يليبيه است که در هر کجا مخالف مفهوم آنها بود، آنرا درخواهند کرد. از مسئله کشمکش دوگوه هبته اصلی جناح هاي رقيب که بگزير، خاتمي با ماضيل يكاري رويروست، که از اختلافات ميان گوهه هبته اينها بود. خاتمي او ناشي ميگردد. يعني يك کشمکش ورقابت هم در درون کلينه و قدرت اجرائي ميان متحابين در جناب خواهند بود. معلوم نیست اتحادي که يك سرآن رفستان و شهردار تهران با شلوسر ديرگران محتشمی و خلخالی و امثالهم به کجا خواهد توصيه کرده بودند، پس از انتخاب خاتمي نيز اصل و کنه تلاششان در ساليه قرار دادن بعد پندران ميرسد که خاتمي بتوانند همین محدوده ناچيز تعديلی در اوضاع يابد آورد، و سياست خود را بازست و برای جناب ها، رژيم را بجز اينها و سیاست خود را بازست. خاتمي يابد با تشديت ضادها و کشمکش هاي جناحها نقش خود را در ايجاد بحران و سیاست در حکومت اينکند و عموما شركت در انتخابات را نيز توصيه کرده بودند، پس از انتخاب خاتمي نيز اصل و کنه تلاششان در ساليه قرار دادن زير ضرب بسيار مصر و جلدی هستند. در همین راستا و برای جا باز کردن در درون حکومت و خوش آيند آن، اين نبوروها اگر چه حملاتی را نيز عليه نبوروهاي چپ و انتلابي سازمان داده اند، اما از بد اقبالی اين جماعت واز آنچا که به لحظه کمي و كيفي نبوروهاي حکومت و تمامیت رژيم در جناب بحران و محوكردد. چندانی بحسب نمي آيند و پاگاهی در بين مردم ندارند، کسي هم آنها را جلدی نميگيرد چه رسد به حکومت اسلامي که چارچوبه ايش اين دلسوزان و

خبری از ایران

یادداشت‌های سیاسی

شهرداری تهران . . .

از آن سو، استفاده نماید. گفتنی است که جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضد انسانی و ضد پناهندگی خود، علاوه بر بازگرداندن صلح کرد به شمال عراق، طی دو سه ماهه اخیر ده ها هزار تن از مهاجرین و پناهندگان افغانی را از ایران اخراج نموده است.

کاهش دستمزدها و افزایش فقر

خواجه نوری معاون وزارت کار و امور اجتماعی رئیس با ارائه آمار و ارقامی اعتراف نمود حداقل دستمزد واقعی کارگران کاهش یافته است. وی اعلام کرد که مزد روزانه کارگران از ۷۲۸ ریال در سال ۵۸ به ۹۲۴ ریال در سال ۷۵ افزایش یافته است در همان حال شاخص بباء کالاها و خدمات مصرفي از ۱۰۰ واحد در سال ۵۸ به ۲۹۸/۸ واحد در سال ۷۵ رسیده است یعنی حداقل دستمزد کارگران در سال ۷۵ نسبت به سال ۵۸ در واقع حدود ۵۸ درصد کاهش یافته است. او در مورد سالهای ۶۰ به بعد گفت ارزش اسمی حداقل دستمزد از ۶۳۵ ریال در سال ۶۱ به ۶۹۰/۷ ریال در سال ۷۵ و ارزش واقعی آن از ۶۳۵ ریال به ۴۱۷ ریال کاهش یافته است و طی همین مدت شاخص حداقل دستمزد اسمی از ۱۰۰ واحد به ۱۰۸۸ واحد رشد و شاخص حداقل دستمزد واقعی از ۱۰۰ واحد به ۶۶ واحد کاهش یافته است.

آمار ارائه شده از سوی معاون وزارت کار و امور اجتماعی رئیس اگرچه با آمار و ارقام واقعی فاصله بسیار زیاد دارد و دستمزد واقعی کارگران در طی ۱۵ سال اخیر بمراتب بیش از اینها کاهش یافته است، معندها همین ارقام ناتض بخوبی گویی کاهش ملأوم قدرت خوب سطح معیشتی کارگران، فقر فزاینده و فشار اقتصادی روزافرون برآنها بیانگر تراکم فقر و بدختی دریک قطب جامعه و انباشت ثروت و رفاه در قطب دیگر آن است. روزنامه رسالت ۳۱ خرداد در همین رابطه از قول دکتر باقر صدی کارشناس امور اقتصادی اعلام کرد ۴۰ درصد جمعیت کشور ۸۰ درصد ثروت ملی را در اختیار دارد.

همچنین براساس آمار منتشره مرکز آمار ایران حداقل هزینه خانواده های شهری ۸۸۰ هزار ریال و خانوارهای روستائی ۷۷۰ هزار ریال اعلام گردید.

افزایش قیمت دارو

با وجود تبلیغات دولت مبنی بر کاهش نرخ تورم به رقمی زیر ۲۰ درصد، واقعیات نشان می دهند که نرخ واقعی تورم بمراتب بیش از آن چیزی است که دولت اعلام می کند، وبارتین دلیل آن که نیاز به آمار و

منافع شخصی را بدلست آورده باید درین آنها به دنبال شروتهای باد آورده بود؟ من گمان میکنم این حرکات استفاده سیاسی از موقعیت است.» او همچنین به افشاء‌گری علیه جناح رقیب و گروههای باصطلاح غیرقانونی وابسته به باندهای درون حکومت میپردازد و میگوید: « یک نیروی انتظامی به اسم حرast دادگستری به اینجا حمله کرده ... بنده خواستم از این افراد شکایت کنم از وزیر دادگستری پرسیم گفتندینه‌پرسنل مانیستند؟ از وزیر اطلاعات پرسیم گفتند: پرسنل مانیستند. از نیروی انتظامی تحقیق کردیم گفتند مربوط به مانیستند. سوالی که برای مامطخر است، این است که اصلاحیون نیروی مسلح کیست وجه اختیاراتی دارد؟» در مردم خود پرسنل نیز

توضیح میلهد، که وقتی به رئیس قوه قضائیه در رابطه با این پرونده مراجعه شدگفت که « این مستله به من مربوط نمی شود و مربوط حوزه دادگستری تهران است» از وزیر دادگستری سوال شد، « وزیر دادگستری نیز قضیه را روزگار روزگار دادگستری و حوزه کاری خودشان نفی کردند و گفتند این قضیه مربوط به اداره کل دادگستری تهران است و مربوط به مانیشود». و سرانجام در پاسخ سوال فرانس پرس میگوید « این هاگروهی هستند شکست خورده و انتقام شکست خودشان را لین طور می خواهند بگیرند»

تمام این مصاحبه های نیز نشان میدهد که آنچه که درین میان مطرح نیست، مسئله توده زحمتشک مردم و عمیق ترشدن روزگار روزگار شکاف میان فقر و ثروت در جامعه است. جناح های رقیب برای تسویه حساب از این تاکتیک علیه یکدیگر استفاده میکنند و ماجراهای دستگیری اطرافیان شهردار تهران از معاون و مشاور مذکور کل گرفته تا شهرداران منطقه ای در همین رابطه مطرح است. درستگاه دولتی رژیم جمهوری اسلامی نیز ارتقاء سو استفاده مالی، رشه و گیری، اختلاس وغیره وغیره نیز آنچنان وسیع و گسترده است که هر جناح چنانچه بخواهد میتواند بروی مهره های جناح دیگر دست بگذارد و آنها باین اتهام به محکمه بکشد. این ماجراهای اتفاقعاً به همین جا ختم نمیشود. پس از شهرداری حتماً نوبت موسسات و ارکانهای دیگر است که قرار است حساب وکتاب کار آنها بررسی و بر ملاکردد. بدیهی است که جناحهای رقیب نیز بیکاران خواهند شدند. هرچه این افشاء‌گری‌های ادامه تشییشوند، مردم بهتری میبرند که حکومت اسلامی چگونه منجلانی است و توده کارگروز حستکش بهتردمی یا بلوهرچه این تضاد میان جناحهای هیئت حاکمه تشییشوند، بهتری میبرند که حکومت اسلامی چگونه منجلانی است و توده کارگروز حستکش بهتردمی یا بلوهرچه جامعه جز باسرنگونی نه تنها جمهوری اسلامی بلکه طبقه حاکم سرمایه دار ممکن نیست.

یزدی از «برخوردهای اخیر امیریان این سازمان لبراز تأسف کردند» و دادگستری را بطور ضمنی مجری توطئه های سیاسی جناح رقیب معرفی کردند. درخششی ازین نامه از جمله آمده است: « « برخورد توان با بی انصافی و عدم رعایت حیم هایی توجهی به موازین و اصول اخلاقی و قانونی نیز همراه با جنجال برگزینی های تبلیغاتی، این شاینه را را در آذهن پنید آورده است که مبادا انگیزه سیاسی مسئولیت اصلی متخصصان امرفضا در تهران بزرگ راحت الشاعر قرارداده باشد. »

اشارة این نامه « به برخورد توان بی انصافی و عدم رعایت حیم ها» و یضاً « بی توجهی به موازین و اصول اخلاقی و قانونی» به نحوه برخوردهای جناح رقیب در جریان دستگیری مقامات شهرداری است. در جریان این دستگیری نیروهای مسلح، شهرداری رامحاصره میکنند، معاونین و مدیران کل را بازداشت کرد و بازden دستبند را طلاق ها زندانی میکنند پس آنها با خود میبرند. در عین حال خانه های مسکونی آنها نیز مورد تجسس قرار میگیرد و با خانواده های آنها نیز با توهین و تحقیر برخوردمیشود. درین رابطه خانواده های دستگیرشدن ضمن ملاقات با ۴۰ تن از نیزیندگان زن مجلس ارجاع، میگویند که « در جریان بازداشت ها باز جوییها نه تنها حریم خانواده حفظ نشده است بلکه در کارفعاشی ها و اقدام های زنده وغیر اسلامی به خصوصی ترین وسائل شخصی نیز نیز ازین تجاوز هامصنون نمانده است» گویا که این خانواده های محترم ولبسته به دستگاه تاکنون نیلند و باشندیده بودند که ماموران انتظامی و امنیتی رژیم در جریان دستگیری دهها هزار تن از مخالفین، در چندین سال گذشته، چنان رفتار حشیانه و فترت لذگی داشته اند که اقیام های زنده» موردا شاره در مقایسه با آنها چیزی می ناید. اما بالاخره کسانی از خدمتگاران این حکومت نیز در عمل دیگرند که رژیم اسلامی موردعلاقه آنها باز هم قیاسی است. به حال و اکنش ها ادامه یافت و روز ۱۱ مردادماه، شهردار تهران در یک مصاحبه با خبرنگاران روزنامه ها و خبرگزاریهای داخلی و بین المللی به افشاء‌گری علیه جناح رقیب و سیاسی خواندن جریان دستگیری ها پرداخت. او گفت که پس از سخنرانی خامنه ای در مردم روز ۱۱ مردادماه، شهدا اطهارات او توسط یک گروه سیاسی خاص مورد بهره برداری قرار گرفتلت و میپرسد « برای مامشخص نیست آنچه را که رهبر معظم انقلاب فرموده و مشخصاباید از جانب دستگاه قضائی و مراجع ذیریط پیگیری شود که اگر کسی ثروت باد آورده دارد بینید از کجا آورده است. آیا مجموعه مصاديق آن در جامعه در همین چند نفرهای اینجا افرادی در شهرداری آن در جامعه میشود؟ آیا بینید درستگاه دستگاه خلاصه میشود؟ آیا بینید از کجا آورده است. آیا مجموعه مصاديق عمومی دولتی به دنبال آن باشندیدار بخش های دلالی ویشهایی که در کاردادوستد درسالهای گذشته بیشترین

خبری از ایران

ارقام ندارد بلکه مردم روزمره با آن روپرتو هستند، افزایش دم افزون قیمت کالاهای میاحتاج روزمره مردم است. طی چند ماه گذشته مداوماً بهای نان، لبنتی، سوخت و وسائل ایاب و ذهاب، افزایش یافته و این مجموعه تأثیر خود را بر افزایش بهای کالاهای دیگر بر جای گذاشته است. دولت تاکنون ظاهرا سعی میکرد، برای مهار موج نارضایتی، مانع افزایش قابل ملاحظه برخی کالاهای بیویژه داروهای پر مصرف گردد، اما دریک ماه گذشته به نحو قابل ملاحظه ای بر قیمت داروهای پر مصرف نیز افزوده شد.

بنابراعلام رسمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، داروهای پر مصرف افزایش قیمت داشته که همین امر موجب بالارفتن قیمت داروها از سقف تعیین شده توسط سازمانهای بیمه ای شده ولایم بارد نسخه از سوی برخی داروخانه ها روپرتو شده است. در حالیکه افزایش قیمت برخی داروها از ۲۰ تا ۳۰ درصد تجاوز کرده است، معاون دارو و درمان و وزارت بهداشت در کنکوئی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تائید افزایش بهای ۴۰ قلم دارو، ادعای کرد که لین افزایش در مقایسه با سایر کالاهای بسیار پائین بوده و در چندماهگذشته حدود ۳/۵ درصد بوده است.

معدن بدون هرگونه محدودیت به بخش خصوصی واکنار می شود

مجلس ارتقای اسلامی، روز ۷ مرداد کلیات لایحه معدن را که بربطی آن اکتشاف معدن توسط اشخاص حقیقی و حقوقی انعام میشود، تصویب کرد. تصویب این لایحه به معنای ایجاد امکانات گستره تر برای بخش خصوصی و واکناری تمام معدن به این بخش است.

معاون پارلمانی وزیر معدن و فلزات در این‌مورد گفت: براساس این لایحه، بخش خصوصی که تاکنون ۵ سال حق بهره برداری از معدن را داشت، میتواند با پرداخت حقوق دولتی و به شرط اشتغال زائی به کار خود ادامه دهد. او افزود که در این لایحه برای تامین امنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی در معدن پیش یینی های لازم شد است.

با کمکهای مالی خود

سازمان فدائیان (اقلیت)
را یاری فمائید

یونسکو به خاتمه داده شد، گفته شده است: «حضرت‌عالی که ازوسعنت نظر خاصی بر خود را بروزه براند فرهنگی کهن و درخشن می‌بایشد، باحضور خود در کنفرانس عمومی یونسکو مارام‌فترخ‌فرمایید.»

تاکنون در سطح نهاده‌های ارگانی بین‌المللی و روساواره‌بران آنها کسی جرات نمیکرد با چنین القاب و عباراتی رئیس جمهور حکومتی را به یک اجلاس بین‌المللی گرداند، آن هم یونسکو دعوت کند، که در تمام دوران حیاتش ضلیلت آشکار خود را باعلم و هنر و ادبیات آشکار ساخته، اشاعه دهنده خرافات است، مردم را از آرایه‌های سیاسی محروم کرده، دهها هزار تن را به جوشه اعدام سپرده است و چنان جنبشی ای که در این مطلعند. اما اکنون بدون کمترین تغییر در ماهیت و سیاستهای جمهوری اسلامی، رئیس جمهور آن به کنفرانس یونسکو دعوت شد، تاره برای دعوت و مراواده سران کشورهای اروپائی و دیگر کشورهای مهم سرمایه داری هموار شود.

یونسکو

هم میخواهد نقش خود را ایفا کند

دستگانی از بروزهای ایران و بروزهای بین‌المللی باهم وسائل و امکانات تبلیغی و سیاسی خود در تلاشند که انتخاب خاتمی را به عنوان رئیس جمهور، رویلادی خارق العاده معرفی کنند که میخواهد چهره نظام اسلامی را درگرگن سازد، به مردم آزادی بدهد و اختناق را براندازد. اینان در واقع همان جریاناتی هستند که سالهای مردم ایران بدون کمترین تغییر در ماهیت رفسنجانی اوضاع و عده دادند که در درون زمامداری رفسنجانی اوضاع بهبود خواهد یافت. میگفتند: وی جناح اصلاح طلب حکومت است و میخواهد رئیس را درون متوجه سازد بنحوی که مثلاً به یک حکومت پارلمانی متعارف تبدیل گردد. اما هرچه که رفسنجانی از نظر اقتصادی، برنامه اجتماعی ترین و هارترین جناهای بروزهای بین‌المللی را در ایران پیش بروزاین جهت مورد تائید و تحسین بروزهای بین‌المللی و حتی برخی جناح های اپوزیسیون بروزهای قرار گرفت، معهداً در عرصه سیاسی بهیج وجه کاری از پیش نبرد، و سرانجام این که وضع مردم از نظر مادی و معیشتی به درجه غیر قابل تصوری وخیم شد، برنامه اقتصادی هم باشکست روپرگردید و اختناق و سرکوب هم تلائم یافت. در اینجا بود که بالآخر استحاله چیان اعتراض کردند که ارزفسنجانی و جناح او هم کاری ساخته نیست.

با انتخاب خاتمی باریگ برای بروزهای اپوزیسیون و بروزهای بین‌المللی فرصتی پیش آمده است که ملتی دیگر مردم را به تحولات درونی رژیم ایمپارهایان ازین روزت که تمام بلندگوهای تبلیغاتی بین‌المللی و همه قدرت‌های جهانی به تعییف و تمجید از خاتمی دست زده اند. حتی رئیس جمهور آمریکا هم نقش خود را در این شناکوئی ایفانموده است. دستگاه حکیم بروزهای اپوزیسیون نیز این دسته کراهمراهی می‌کنند. همه یک زبان اورافرانه، آزادیخواه و صلح طلب میخواهند ویرای پیروزی اوراجرای برنامه هایش دعا می‌کنند.

طبعی است که درین اوضاع، سازمانهای بین‌المللی نیز باید در اجرای این سیاست نقش خود را ایفا کنند. عجالات از فشاره جمهوری اسلامی در زمینه تقضی حقوق بشر پیزه‌زند، در مردم‌زنایان سیاسی و اعتصاب غذای آنها کوت کنند، تاختانی کارخود را جام دهد. درین میان یونسکو هم به این فکر افتاده که خوب است این سازمان هم نقشی درین میان ایفا کند و به جناب خاتمی این افتخار بله‌هند که بعنوان مهمان افتخاری در کنفرانس عمومی یونسکو حضور یابد. لذا آقای فدیک‌مایور، مدیر کل یونسکو طی پیامی به خاتمی ضمن تبریک پیروزی ایشان در انتخابات ریاست جمهوری از ایشان دعوت بعمل آورده که بعنوان مهمان ویژه افتخاری در کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس حضور یافته و سخنرانی ایاد کند. درین پیام کتبی که توسط فرستاده ویژه جناب مدیر کل

خبری از ایران

یادداشت‌های سیاسی

۲ میلیون کارگر درمعرض اخراج

انعقاد قراردادهای موقت که از سال ۷۳ پنایل صدور بخشنامه‌ای، گسترش یافت، امنیت شغلی بیش از ۲ میلیون کارگر را بمخاطره افکنده است. تاج‌الدین نمی‌نده اصفهان در مجلس ضمن ابراز این مطلب افزوده است: «... بعضاً مشاهده می‌شود برخی کارفرمایان شروط غیر متعارفی را در قراردادهای موقت کار می‌گذارند و حتی از کارگر چک سفید امضاء دریافت می‌کنند که برای احتمال حقوق خود به ادارات کار و امور اجتماعی مراجعه نکنند.»

بیکاری در استان آذربایجان غربی

رئیس برنامه و بودجه آذربایجان غربی، حق جو، شمار ییکاران این استان را ۶۶ هزار و ۱۵۴ نفر ذکر کرد.

در بوشهر ۱۷۰ کارگر از کار بیکار شدند

مدیر کل صنایع استان بوشهر اعلام کرد مجتمع صنعتی لیان تاب بوشهر تقریباً بطور کامل بصورت تعطیل درآمده است. این مجتمع که شامل واحدهای تولیدی سحر بافت آسیا، لیان تاب، پلیمر خلیج فارس و سامان دریای جنوب است که بعلت کمبود تقیینگی هم اکنون دو واحد پلیمر خلیج فارس و سامان دریای جنوب بکلی تعطیل شده و در نتیجه آن، از ۲۰۰ تن کارگر این واحدها ۱۷۰ نفر آن از کار بیکار شده اند و به خیل بیکاران این استان پیوسته اند. نامبرده علاوه بر مشکل مالی، علم کارآئی لازم مانشین آلات را از جمله دلائل رکود این مجتمع صنعتی ذکر نمود.

۳۰ سال کار و بعد هم بلا تکلیفی!

۵۶ تن از کارگران و کارکنان شهرداری ایلام، پس از ۳۰ سال کار در اوایل سال گذشته بازنشسته شدند. هم اکنون با وجود آنکه بیش از پنج ماه از تاریخ بازنشستگی شان میگذرد، اما هیچ مقام و نهاد مسئولی به امور بازنشستگی آنها رسیدگی ننموده است. نه کارفرما (شهرداری) به مشکل آنان رسیدگی میکند، نه سازمان تامین اجتماعی این زحمتکشان را نزد پوشش خود قرار میدهد و نتیجه آن شده است که کارگران و کارکنان زحمتکش شهرداری ایلام پس از ۳۰ سال رنج و کار و هزینه کردن عمر وجوانی خود و علی رغم ماهها دوندگی، همچنان بلا تکلیف مانده اند!

خرده حسابهای شخصی، باعث گردید که نخستین کانون درگیری و اعمال تاکتیک جلیل، شهرداری تهران باشد. لذا دستگیریها از همینجا آغازگردید و گروهی از منصوبین مورد اعتماد وزدیکان شهرداری تهران دستگیری شدند که ۷ تن از آنان معاون، مدیرکل و شهرداران منطقه ای هستند. روزنامه‌های رسالت و کیهان که خبر این دستگیریها را باتبلیغات وسیع اعلام نمودند، علت دستگیریها را رژیم اسلامی اعلام کردند، اما جناح کارگاران بالبرازواکشی و سوءاستفاده ذکر کرد، اند، اما جناح کارگاران بالبرازواکشی خشمگینانه دربرابر این اقدامات جناح رقیب، این ماجرا را سیاسی خواندند و مدعی خود را از این موضع جدا نمودند که چنانچه جناح رقیب، این پرای توسعه حسابهای سیاسی ازین شیوه استفاده کند، آنها نیز دست به افساد کری و روکدن ماجراهای خواهند داشتند که پای آن جناح در میان است. درین میان آنها بطریض منع از سوءاستفاده های مالی چندصد میلیون تومنی دروزارت بازارگانی سخن گفته اند. کشمکش هاهمچنان باشد ادامه دارد. اخیراً یکی از نمایندگان مجلس ارتیاج اسلامی به نام مرعشی درگفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تعریف و تمجید از شهردار تهران، ازینکه پاره ای از مشمولان دادگستری تهران بدون توجه به شرایط حساس سیاسی کشور به نحوی ملیتی موفق ایشان را مورد هنک قرارداده اند، ابراز تاسف کرد و گفت: این اقدامات که مورد سوءاستفاده جریانات سیاسی شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد نیز قرارگرفته است، در شرایطی که ملت بزرگ ایران خود را آماده بدرقه باشکوه سردار بزرگ سازندگی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی واستقبال از دولت جناب آقای خاتمی رئیس جمهوری کیمیه مردم ایران می‌نمایند، فضای نامناسبی را ایجاد کرده است.» پس خود صد تن از نمایندگان بالرسال نامه ای برای

صفحه ۱۴

کمکهای مالی خود را به شماره حساب پانکی زیر واپیز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمائید.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

شهرداری تهران عرصه زورآزمائی دوجناح

در شماره پیشین نشریه کار، درمقاله «جال جناح های حکومت و شکاف فتوثوت» شان داده شده جنجال های اخیر جناح از حکومت، آنهم جناح فوق ارتجاعی، جامعه روحانیت، بازار و داراً آنها خامنه ای در مورد دشوهای آورده، ابرازگرانی آنها عیمیق ترشیل شکاف فتوثوت و نیز فرامین خامنه ای برای «مقابله» با آنان، چیز دیگری جزیک تاکتیک برای اعمال فشار و حریه ای برای تسوبی حساب با جناح های رقیب بیوشه جناح کارگاران نیست، چراکه این واقعیت برهرسان اندک آگاهی روشن است که تمامی جناح های مرتکب حکومت، پاسدار و مدافعان نظامی هستندکه بنیادش بر استیمار، ستم، بی حقوقی توده مردم، شکاف فراپنده فتوثوت نهاده شده و فساد، دزدی، سوءاستفاده، ارتقاء جریانیک دستگاه دولتی و عاملین سیاسی و اجرائی آن است.

در هر حال، هنوز چندروزی از غاز جار و جنجال های جناح علیه «طبقه جدید» «شوههای باد آورده» و باصطلاح مبارزه برای براناختن این شکاف نگشته است که در عمل روش میگردد، ماجرا لجه قرار است.

جزیان موسوم به کارگاران سازندگی که در جریان انتخابات آخین دوره مجلس ارتیاج اسلامی به ستیز و درگیری با جناح مسط برخواست و در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری هم نقش مهمی در کشکت کاندیدای جامعه روحانیت ایفا نموده اکنون نیز در مجلس ارتیاج رقیبی ملت بزرگ ایران خود را آماده بدرقه باشکوه سردار بزرگ سازندگی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی واستقبال از دولت جناب آقای خاتمی رئیس جمهوری کیمیه مردم ایران می‌نمایند، فضای نامناسبی را ایجاد کرده است.» پس شکست جناح رقیب بود. تسوبی حسابهای جناحی، نقشی که شهردار تهران در شکل گیری کارگاران و تقویت آنها وسیس شکست جناح رقیب در انتخابات ریاست جمهوری ایفانمود و سابقه و گستردگی سوءاستفاده های مالی ایضا

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

**Postfach 5312
30053 Hannover
Germany**

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaii-

minority.org

KAR

پست روی اینترنت:

[\[minority.org\]\(http://www.minority.org\)](http://www.fadaii-</p>
</div>
<div data-bbox=)

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 304, AUG 1997